نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال پانزدهم - شماره ۶۶۳ - یک شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان

نماینده دشتی و تنگستان خطاب به دولت:

اگر حجم کالاهای ته‌لنجی افزایش نیابد، گرانی بیداد خواهد کرد

نگاهی به چالش های پیش روی شاهین بوشهر

با این بدهی کلاهمان پس معرکه است



پرسه ای در پس کوچه های فقر جهانی

دکتر سید عبدالصاحب امامی

سلامی و کلامی ...

شجاعت نامه سفرهای دولت به بوشهر



یونس قیصی زاده

استاندار بوشهر به تازگی و در پاسداشت یکصدمین سفر استانی هیئت دولت فرموده اند "مطبوعات بوشهر با رویکردهای سیاسی نه جرات و نه شجاعت دارند خدمات دولت را منعکس کنند."

راستش حالا که اجازه داده اند تا روزنامه نگاران، اندکی شجاعت به خرج دهند و جرات داشته باشند، حیف مان آمد از این فرصت مغتنم، استفاده ننماییم و شجاعانه در باب خدمات دولت در نتایج سفرهای خود به بوشهر قلمفرسایی نکنیم.

اول از همه خواستیم که شجاعانه به راه اندازی و تکمیل راه آهن شیراز – بوشهر – عسلویه که از مصوبات سفر هیئت دولت به بوشهر است اشاره کنیم، اما هرچه گوش خواباندیم نه اثری از سوت قطار شنیدیم و نه ردپایی از ریل گذاری صدها کیلومتری و هزاران کارگر در حال کار. گفتیم از قطار پیاده شویم و با جسارت هرچه تمامتر با رانندگی در اتوبان بوشهر – گناوه که آن هم از مصوبات سفر است، دوری بزنیم، اما دیدیم ای دل غافل ساخت این اتوبان هم سالهاست در پیچ و خم های مشکلات دولت مانده است.

حالا که خیری از قطار سواری ندیده و لذتی از رانندگی نبردیم، گفتیم حداقل با جرات به استادیوم ورزشی ۱۵ هزار نفری بوشهر در تنگک برویم که آن هم از مصوبات سفر هیئت دولت است و قرار بوده در سال ۸۷ به بهره برداری برسد، اما با دیدن ورزشگاه نیمه تمام و رها شده بوشهر، پی به دوراندیشی مسئولان بردیم که چون می دانستند که با این حمایتهایی که می کنند، شاهین از لیگ برتر سقوط کرده و ایرانجوان هم به لیگ برتر نمیرسد، پس زحمت تکمیل این استادیوم را هم به خود نداده و رهایش نمودند.

عجیب است حالا که می خواهیم جسارت به خرج دهیم و شجاعت نامه بنویسیم، اینبار دولتی ها نمی گذارند! اما دلسرد نشده و بار سفر بستیم تا به پارس جنوبی برویم و با گستاخی درباره اجرای مصوبه بکارگیری ۵۰ درصد نیروهای بومی در مشاغل نفت و گاز در پارس جنوبی قلمزنی کنیم، اما وقتی که رسیدیم در کمال ناباوری دیدیم که نه تنها این مصوبه به اجرا درنیامده که جوانان عسلویه و نایبند و کنگان و دیر و... هم در به در بدنبال این هستند که بومی استانهای دیگر شوند تا شاید، کاری برای آنان در پارس جنوبی پیدا شود، پس دیدیم که اگر بخواهیم در خصوص اجرای این مصوبه بنگاریم، به جای پسر شجاع، می شویم چوپان دروغگو.

در برگشت به بوشهر شجاعانه دست به قلم بردیم تا درباره مصوبات دولت درباره احداث بزرگ راه بوشهر – شیراز، ایجاد دانشگاه صنعتی استان، راه اندازی تالار فرهنگی چند هزار نفری بوشهر، راه اندازی دانشکده معماری در بافت قدیم، ایجاد دهکده دانایی علم و فن آوری خلیج فارس در بوشهر، راه اندازی ماشین سازی مدرن در بوشهر، تکمیل راه چهار خطه کنار تخته – دالکی، انتقال دفاتر شرکتهای نفتی و گازی به بوشهر و... بنویسیم اما تا خواستیم قلم بر کاغذ بدوانیم، دیدیم رسیده ایم به کنار فنس های نیروهای نظامی در بوشهر، که آزاد سازی زمین های آنها هم از مصوبات هیئت دولت در بوشهر بوده و عجب دیدیم که فنس ها در کمال بی خیالی به این مصوبه مهم دولت، از سرجایشان تکان نخورده اند.

اما روزنامه نگار شجاع که فریب رویکردهای سیاسی را نمی خورد و برای همین مصمم تر شدیم تا با جرات بیشتر در باب نحوه اجرا و بهره برداری ۵۹۴ مصوبه سفرهای دولت به بوشهر و چگونگی هزینه کرد اعتبارات مصوب ۸۴ هزار میلیارد ریالی آن بنویسیم که دیدیم چون چندین سال است که عادت نداریم به شجاعانه نوشتن، فشار خونمان بالا رفته، پس برای اینکه هذیان نگفته و ناخودآگاه خدمات دولت را زیر سوال نبریم، سریع خودمان را به بیمارستان جدید بوشهر رساندیم، اما با کمال شگفتی دیدیم که چندین هفته دولت و مناسبت دیگر آمده و رفته و این بیمارستان که از مصوبات سفر دولت در سال ۸۴ بوده، هنوز افتتاح نشده است.

گفتیم مثل اینکه روزنامه نگاری شجاعانه هم به ما نیامده، پس همان بهتر که برویم فیلم اجرای موسیقی محلی محسن شریفیان را ببینیم و خستگی در کنیم که یادمان آمد، محسن شریفیان ممنوع الاجرا شده و ترسیدیم برایمان بد شود. در همان حال متناسب با ایام خود، سی دی شروه خوانی آکا صفوی را روشن کردیم که ای دل غافل یادمان آمد که آکا صفوی هم ممنوع الاصوات شده و برای جلوگیری از دردسرهای بعدی، آن را هم خاموش کردیم و به صدای گوش خراش بلند شدن هواپیما از فرودگاه بوشهر گوش دادیم.

راستی انتقال فرودگاه فعلی بوشهر از محدوده شهر هم از مصوبات سفرهای استانی هیئت دولت بود، اما از حواس پرتی نمی دانیم حالا برای سوار شدن به هواپیما باید از چه کسی آدرس فرودگاه جدید بوشهر را بپرسیم.

ای روزگار! نمی گذارند روزنامه نگار شجاع، کارش را کند!

خداحافظ تماشاگران عاشق

صفحه ۸

بعد از ممنوع الاجرا شدن محسن شریفیان،

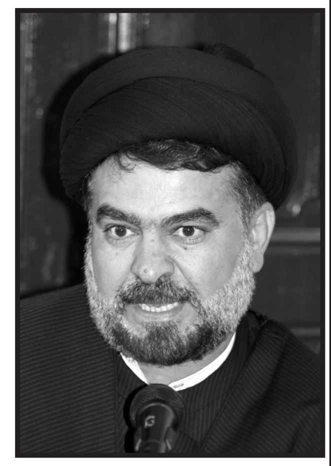
آکا صفوی هم ممنوع التصویر شد



نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۶۶۳ - یک شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

نماینده دشتی و تنگستان خطاب به دولت:

اگر حجم کالاهای ته‌لنجی افزایش نیابد، گرانی بیداد خواهد کرد





نماینده دشتی و تنگستان در مجلس با بیان اینکه دولت باید حجم کالاهای همراه ملوانی (ته لنجی) را در استان بوشهر افزایش دهد، گفت: سکونت در کنار دریا علاوه براینکه برای ساکنین مزیت‌هایی دارد؛ برای دولت‌ها نیز از نظر راهبردی با اهمیت بوده است، زیرا مجاورت با دریا بهترین منافع اقتصادی را در ساده‌ترین شکل برای دولت‌ها رقم می‌زند و به همین علت، دولت باید با یک برنامه‌ریزی کار آمد و اصولی، بسترهای اشتغال را در شهرهای ساحلی مهیا کند.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ سیدمحمدمهدی پورفاطمی افزود: لنجداران و ملوانان استان بوشهر متأسفانه، در وضعیت مالی نامساعدی به‌سر می‌برند و بسیاری از آنها به‌ویژه ملوانان با مشکلات بی شماری دست و پنجه نرم می‌کنند.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی ، تصریح کرد: بحث گرانی هزینه‌های ملوانی برای صیادان استان بوشهر مشکل‌ساز شده واین در حالی که اگر اقدامات کارآمدی در راستای افزایش کالاهای ته لنجی در استان بوشهر انجام نشود به طور طبیعی بسیاری ار اقلام وارداتی گران خواهند شد.

وی که با خانه ملت گفتگو کرده، ادامه داد: دولت با هدف رونق اقتصاد مناطق محروم استان های ساحلی، باید سرو سامانی به شرایط معیشتی مردم ساحلی به کشور دهد زیرا این افراد زندگیشان بامبادلات تجاری گره خورد است.

پورفاطمی افزود: مبادلات تجاری نقش مهمی در توسعه اقتصادی منطقه دارند، چراکه این امر موجب می‌شود فرصت‌های شغلی جدید ایجاد شوددر نتیجه آسیب های اجتماعی نیز در مناطق ساحلی بنحو چشمگیری کاهش می یابد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس یاد آورشد: دولت باید با یک برنامه‌ریزی کلان وضعیت ملوانان دریا را بهبود بخشد تا این قشر زحمت کش بدون هیچ دغدغه برای کسب روزی به آب بزنند.

مدیرکل حفظ آثاردفاع مقدس استان بوشهر اعلام کرد:

۵۰۰ برنامه برای گرامیداشت سوم خرداد



مدیرکل حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر گفت: از شورا و شهرداری بوشهر انتظار می رود در کنار برنامه های پربار و موثر فرهنگی شان، در خصوص درخواست این اداره کل برای همکاری جهت ساخت و نصب تندیس سرداران شهید استان نیز همکاری لازم را داشته باشند.

احمد موحد که به مناسبت تشریح برنامه های بزرگداشت سوم خرداد روز آزادسازی خرمشهر در جمع خبرنگاران حاضر شده بود، در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت نصب تندیس شهدای دفاع مقدس در مرکز استان گفت: بیش از یک سال از ارسال نامه این اداره کل به شورای شهر بوشهر برای همکاری در این زمینه می گذرد، اما با وجود مذاکرات حضوری و قول مساعد محمدی باغملایی و شکوهی روسای سابق و جدید شورای شهر، هنوز این موضوع به وضعیت مشخصی نرسیده است.

موحد افزود: پس از استقبال اعضای شورا، طی ۲ نامه قیمت و نوع تندیس هایی که قرار است برای سرداران دفاع مقدس ساخته شود به شورا ارسال کرده ایم، اما پاسخی به ما داده نشده است.



مدیرکل حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر با بیان اینکه شهرداری و شورا در خصوص مباحث فرهنگی برنامه های فراوانی را برگزار می کنند، تاکید کرد: انتظار می رود برای نصب تندیس های مناسبی از سرداران شهید بوشهر نیز که یک اقدام فرهنگی محسوب می شود، همکاری لازم صورت بگیرد.

وی همچنین از پیش بینی برگزاری ۵۰۰ برنامه به مناسبت گرامیداشت سوم خرداد در استان خبر داد و افزود: رونمایی از بنای شهدای گمنام شبانکاره و آبپخش، برگزاری جشن در ساحل بوشهر، شب خاطره رزمندگان، مسابقات هنری و ورزشی در این راستا انجام می شود.

مدیرکل حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر گفت: بزرگداشت عملیات های مختلف دوران دفاع مقدس ضروری است و نباید گذر زمان این حماسه ها را در جامعه کم رنگ کند.

احمد موحد افزود: در عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، استان بوشهر ۸۹ شهید، ۱۲۶جانباز و هشت آزاده را تقدیم انقلاب اسلامی ایران کرد که انتظار می رود برنامه های پیش بینی شده برای این ایام بتواند یادآور ایثارگری آنها باشد.

باند "کویر" در گناوه به دام افتاد

فرمانده انتظامی گناوه گفت: پرسنل آگاهی این فرماندهی یک باند پنج نفره به نام (کویر) که اقدام به کیف قاپی و سرقت در داخل خودرو می کردند، دستگیر شدند.

سرهنگ کرم دشتیان افزود: از این باند پنج دستگاه موتورسیکلت سرقتی، کارت سوخت و عابر بانک و هفت عدد کیف دستی زنانه با مدارک کشف و ضبط شد.

وی اظهارداشت: در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و پاکسازی نقاط آلوده شهر نیز پرسنل مبارزه با مواد مخدر این فرماندهی یک باند توزیع مواد مخدر را شناسایی و متلاشی کردند.

دشتیان یادآورشد: از این باند مقادیری موادمخدر شامل تریاک، شیشه، سوخته و شیره تریاک کشف و اعضای این باند دستگیر شدند./منبع:ایرنا

جمع آوری احشام بوشهر نیازمند همکاری دادستان

معاون خدمات شهری شهرداری بندر بوشهر در واکنش به انتقاد شهروندان در جلسه علنی سه شنبه شورا مبنی بر افزایش حضور احشام در شهر گفت: در این خصوص نیازمند همکاری بیشتر دادستان کنونی هستیم تا راحت نسبت به جمع آوری احشام اقدام کنیم.

به گزارش «خلیج فارس»؛ بهرام اخلاقی گفت: در زمان بهادری دادستان سابق بوشهر با مصوبه کمیته سلامت شهرستان احشامی که از سوی شهرداری جمع آوری می شد، به گشتارگاه منتقل و پس از چند روز نسبت به ذبح آنها اقدام می شد و گوشت آن در اختیار کمیته امداد قرار می گرفت، اما دادستان کنونی بوشهر معتقد است باید حداقل ۱۵ روز از زمان تحویل احشام به کشتارگاه بگذرد و در صورت پیدا نشدن مالک، ذبح شوند که این موضوع به دلیل کمبود جا در کشتارگاه، جمع آوری احشام را کند کرده است.

اخلاقی با بیان اینکه این مشکل با فرماندار بوشهر مطرح شده و او قول داده با دادستان در این خصوص مذاکره کند، وعده داد: با رفع مانع رخ داده، جمع آوری احشام در سطح شهر و تحویل به کشتارگاه همانند گذشته دنبال می شود.

طبیعت زیبای خره در خطر نابودی

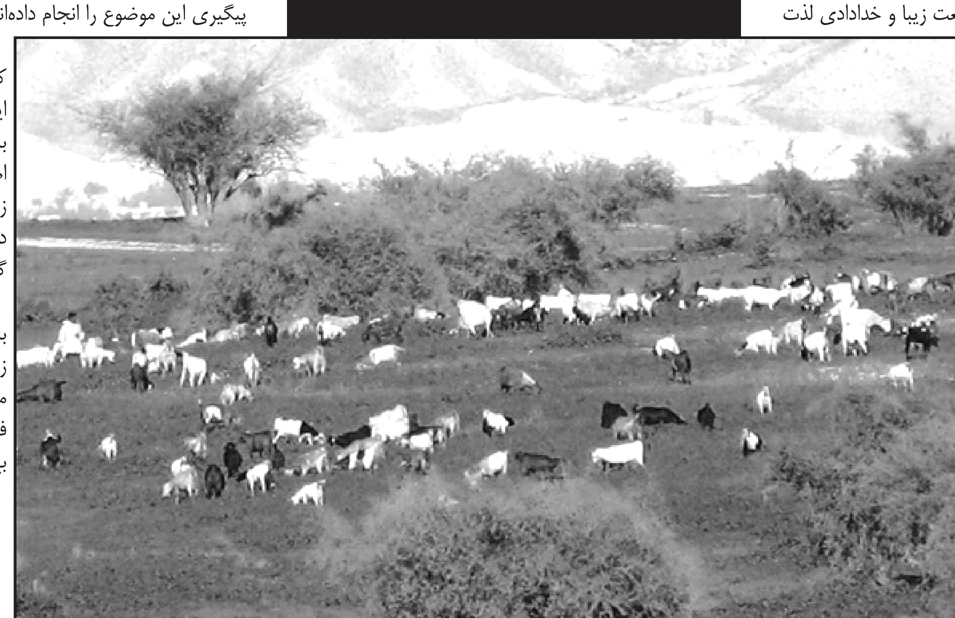
عدم هماهنگی برای برداشت از معادن

برداشت ماسه بادی در منطقه طبیعی خره عسلویه در حالی انجام می‌شود که برای این کار هماهنگی لازم با مسئولان منطقه صورت نگرفته و این اقدام طبیعت زیبای خره را با خطر مواجه کرده است.

به گزارش خبرنگار مهر، روستای خره از توابع شهرستان کنگان با داشتن طبیعتی بکر یکی از زیباترین چشم‌اندازهای طبیعی استان بوشهر را به خود اختصاص داده است.

تپه‌های ماسه‌ای این روستا در فصل بهار با پوششی سبز رنگ از علفزارها به همراه تک درخت‌هایی که بر روی این تپه‌ها روئیده، چشم هر گردشگری را به خود معطوف و مجذوب می‌کند.

همه ساله در ایام تعطیلات عید نوروز و اواخر زمستان که این منطقه دارای آب و هوایی بسیار مساعد است، مسافران زیادی به این مناطق سفر کرده و از این طبیعت زیبا و خدادادی لذت می برند.



چندیست که برداشت از معادن ماسه‌های بادی این منطقه افزایش یافته و همین امر موجبات نارضایتی و اعتراض مردم منطقه را فراهم ساخته است. این در حالی است که اکثر این افراد بنا به نیاز برخی از شرکت‌ها، اقدام به این کار می‌کنند.

برداشت ماسه از این تپه ها باعث تخریب این چشم انداز و این طبیعت بکر می‌شود و هر روز شاهد برداشت بیشتری از این منطقه هستیم و روز به روز نیز این منطقه بیشتر تخریب می‌شود.

ریزش تپه‌ها بر اثر برداشت بی‌رویه

برداشت ماسه از هر قسمت از این تپه‌ها و اراضی باعث می‌شود که در مدت کوتاهی، سمت دیگر آن ریزش کرده و تخریب شود و نهایتا این چشم انداز طبیعی بنا به استفاده نابجای برخی از افراد سودجو، منجر به نابودی این طبیعت و چشم انداز شود.

برداشت برخی از افراد معدود و فرصت‌طلب از معادن ماسه‌های بادی روستای خره، مردم این منطقه مراتب اعتراض و نارضایتی خود را از این بابت به مسئولان دلسوز منطقه اعلام داشتند.

یکی از اهالی این منطقه با ابراز نارضایتی از این وضعیت به خبرنگار مهر گفت: پارکهای طبیعی و تفریحگاههای مردمی سرمایه‌ای ارزشمند و دارایی گرانبهایی هستند که در همه جا وجود ندارد و به عبارتی این نعمت بی بدیل از جانب خداوند است و کیست که نداند شکرانه چنین نعمت خداوندی حفظ و نگهداری شایسته از آن است.

وی افزود: نابود کردن طبیعتی که بوجود آمدن هر سانتیمتر آن به قرنها زمان نیاز دارد، مدت‌های مدیدی مورد استفاده‌های گوناگون همین مردم دوستدار محیط زیست بوده است و به راستی که امری دردناک است.

یکی دیگر از اهالی این منطقه نیز گفت: مردم منطقه که صاحبان اصلی این طبیعت خدادادی هستند مانع به بار آمدن فاجعه ای زیست محیطی در این منطقه شدند.

در راستای رشد روزافزون و پیشرفت فزاینده ی صنعت در عسلویه و آلودگیهای فراوان زیست محیطی در منطقه، نیاز به ایجاد گردشگاهها و مناطق تفریحی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

این موضوع را با جدیت پیگیری می‌کنیم

بخشدار ویژه عسلویه با اشاره به این موضوع که قبلا نیز به خاطر برداشت از این معدن، مردم از این موضوع نارضایتی داشته اند، به خبرنگار مهر گفت: با توجه به نارضایتی و اعتراض اهالی روستای خره در آن برهه از زمان، کار برداشت از معدن تعطیل شد.

عبدالله نادری ادامه داد: این فرد اخیرا با اخذ مجوز از دفتر فنی استانداری، دوباره شروع به فعالیت کرده است.

وی با بیان اینکه اهالی روستای خره از بابت این موضوع دوباره اعتراض کرده‌اند، ادامه داد: ما نیز در راستای اعتراض و نارضایتی مردم منطقه از این امر، مراتب را به فرمانداری شهرستان و همچنین به استان اعلام کرده‌ایم و به جد پیگیر این موضوع هستیم.

برداشت از معادن بدون هماهنگی انجام شده است

فرماندار شهرستان کنگان در این ارتباط به مهر گفت: کار برداشت از معدن ماسه‌های بادی، بدون هماهنگی بخشدار ویژه عسلویه انجام شده است.

تیمور یزدان شناس اظهار داشت: پس از انعکاس موضوع از طرف بخشدار عسلویه به فرمانداری، ما نیز سریعا موضوع را به دفتر فنی استانداری منعکس کردیم.

وی ادامه داد: هیئتی از طرف دفتر فنی استانداری برای نظارت و بررسی به منطقه اعزام شده‌اند و بررسی‌های لازم برای پیگیری این موضوع را انجام داده‌اند.

فرماندار کنگان تصریح کرد: نظر شخصی بنده در این ارتباط این است که برداشت از معدن باید با اطلاع صورت می گرفت زیرا این کار قانونا باید با دیدگاه کارشناسی صورت گیرد.

یزدان شناس در مورد برداشت از این معدن گفت: زمین مورد استفاده نباید متعلق به دولت باشد و فضای محیط زیست را نباید بهم بزند.

مجوز برداشت سه ماهه و متعلق به چند سال پیش است

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان کنگان در مورد افرادی که اقدام به برداشت از معدن ماسه بادی کرده‌اند به مهر گفت: چند سال پیش این افراد از دفتر استانداری مجوز گرفته اند.

احمد آذریار اضافه کرد: سازمان حفاظت محیط زیست نیز در این راستا مجوزی سه ماهه به منظور برداشت ماسه از محدوده‌ای خاص برای آنها صادر کرد و در حال حاضر این افراد از حفاظت محیط زیست استان مجوزی اخذ نکرده‌اند.

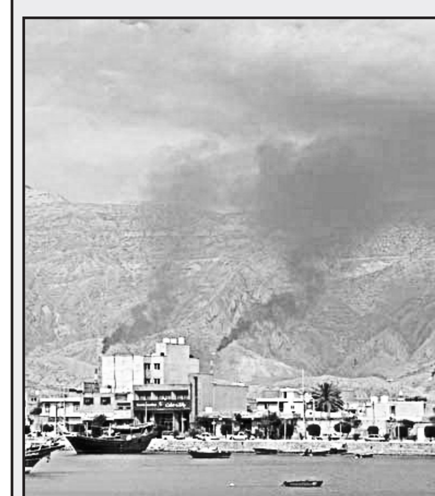
وی بیان کرد: مجوزی که چند سال پیش اخذ کرده‌اند، برای سه ماه بوده که در حال حاضر فاقد اعتبار است.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان کنگان اذعان داشت: از نظر ما، برای برداشت از معدن، این شخص باید مجوز اداره کل حفاظت محیط زیست استان را ارائه کند و در غیر این صورت برداشت از معدن از نظر ما خلاف قانون است.

وی ادامه داد: بر اساس شکایتی که اهالی منطقه خره در این رابطه انجام داده‌اند، کلانتری نیز متعاقبا نظر محیط زیست شهرستان را خواسته که ما کتبا موارد فوق را به کلانتری مربوطه اعلام کرده‌ایم.

امام جمعه عسلویه:

استاندار مسئول رسیدگی به وضعیت آلودگی عسلویه است



امام جمعه بخش عسلویه در خطبه دوم نماز عبادی و سیاسی جمعه بخش عسلویه نماینده عالی دولت در استان را مسئول رسیدگی به وضعیت آلودگی بخش عسلویه دانست.

به گزارش عسلویه نیوز سید هاشمی نژاد امام جمعه بخش عسلویه با اشاره به آلودگی ناشی از پتروشیمی ها و تاسیسات گازی پارس جنوبی اظهار داشت: من از اینجا اعلام می نمایم استاندار محترم که نماینده عالی دولت در استان هستند فکری به حال منطقه آلوده عسلویه داشته باشند که مشکل آلودگی در منطقه مختص ساکنین مردم عسلویه نیست بلکه افرادی که در این منطقه شاغل می باشند را شامل می شود و استاندار نسبت به این قضیه مسئول است و بایستی هر چه سریعتر اقدامی در این زمینه صورت دهد.

خطیب نماز جمعه بخش عسلویه در خطبه اول نیز با تاکید بر انجام فرایض دینی در ماه رجب خاطرنشان کرد: روزه، استغفار و دعاهایی که در این ماه وارد شده است که بر ما واجب است فرایض این ماه را به نحو احسن انجام داده و از ثواب این ماه بزرگ بهره لازم را ببریم.

سردار رزمجو خبر داد:

فیلمبرداری ۵۰ دقیقه‌ای منطقه دوم دریایی سپاه از ناو هواپیمابر آمریکا

فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه گفت: نیروهای منطقه دوم دریایی ۵۰ دقیقه از ناو هواپیمابر آمریکا فیلمبرداری کردند.

به گزارش خبرنگار مهر، سردار علی رزمجو ظهر شنبه در نشست شورای اداری استان بوشهر اظهار داشت: نیروهای مسلح بر اساس آموخته‌های خود در زمان دفاع مقدس به دستاوردهای بسیار خوبی دست یافته‌اند و در عرصه نظامی هر روز آماده تر از گذشته می‌شوند.

وی با اشاره به فیلمبرداری ۵۰ دقیقه‌ای نیروهای منطقه دوم دریایی سپاه از فاصله ۵۰۰ متری ناو هواپیمابر آمریکایی در خلیج فارس، عنوان کرد: رزمندگان سپاه با انجام این فیلمبرداری بخشی از اقتدار و عظمت خود را به نمایش گذاشتند. فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه اضافه کرد: نیروهای مسلح کشورمان هیچ ترسی از تهدیدات و تجهیزات نظامی آمریکا ندارند و با سلاح تقوا و ایمان در برابر همه تهدیدات مقاومت خواهند کرد.

وی به سالروز فتح خرمشهر اشاره کرد و ادامه داد: اقتدار نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در فتح خرمشهر ثابت شد به نحوی که بسیاری از محاسبات غرب و کشورهای استکبار و استعمار را به هم ریخت.

سردار رزمجو به اقتدار نظامی ایران در سطح بین‌الملل اشاره کرد و افزود: فتح خرمشهر بار دیگر اقتدار نظامی ایران را نشان داد و همه جهانیان را به حیرت واداشت.

وی به حیرت‌زدگی افکار جهانیان در فتح خرمشهر اشاره کرد وبیان داشت: فتح خرمشهر دیدگاه جهانیان را نسبت به ایران تغییر داد و موتور جنگی دنیا و کشور عراق در این عملیات پیاده شد.

فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه به نقش ایمان و تقوا در فتح خرمشهر اشاره کرد و ادامه داد: عزم ملی در فتح خرمشهر بسیار تاثیرگذار بود و این عملیات با تکیه بر معنویت رزمندگان ستون فقرات استکبار را شکست.

با حکم مهندس نصوری؛

یک بومی مدیر خدمات شهری منطقه ویژه پارس شد

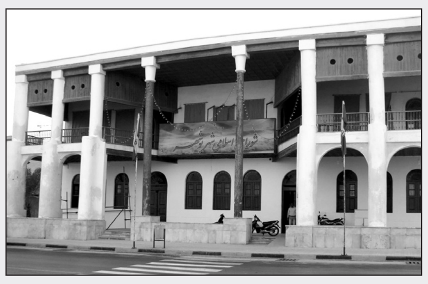
با حکم مدیرعامل سازمان منطقه ویژه پارس، یک بومی به عنوان مدیر خدمات شهری منطقه ویژه منصوب شد. به گزارش "بوشهرنیوز" جلسه معارفه علی مقاتلی، مدیرکل سابق مسکن و شهرسازی استان بوشهر به عنوان مدیر خدمات شهری منطقه ویژه پارس برگزار شد و وی رسماً فعالیت خود را آغاز کرد.

مدیریت یکپارچه شهری، مدیریت پسماند، طراحی و نظارت بر اجرای معابر، تولید و توزیع آب و برق، نظارت بر ساخت و سازها و انطباق آن ها با روش های معماری و شهرسازی نوین، تعامل با مدیران شهرهای مجاور از جمله وظایفی است که نیاز به یک مدیر توانمند و باتجربه در این بخش را بیش از پیش ضروری کرده بود.

همچنین مطالعه و تحقیقات درخصوص فضای سبز، زیباسازی، ورزش و به طور کلی اکثر خدماتی که جهت بهبود برنامه های سایر مدیریت ها در منطقه لازم است در حیطه وظایف مدیریت خدمات شهری بوده که با توجه به تجربه مقاتلی در بخش مسکن و شهرسازی، امید می رود وی با ایجاد تعامل با مدیران شهرهای پیرامونی بتواند گام های مهمی درجهت ارتقاء و بهبود مبلمان شهری این مناطق بردارد.

البته و با توجه به شناخت و تعاملی که در گذشته بین نصوری و مقاتلی وجود داشته است این انتظار می رود که این دو مدیر بومی استان، با تعامل و همکاری یکدیگر بتوانند بسیاری از مشکلاتی که امروزه مناطقی از پارس جنوبی و شهرهای اطراف آن دست به گریبانند را رفع کنند.

تمدید معافیت عوارض ساختمانی فرهنگیان بوشهری تا ۲۰خرداد



رئیس شورای اسلامی شهر بوشهر از تمدید اعمال ۱۰۰درصد معافیت عوارض ساخت و ساز جهت فرهنگیان بوشهری تا بیستم خرداد ماه خبر داد.

مسعود شکوهی در حاشیه جلسه علنی شورا گفت : شورای اسلامی شهر بوشهر امسال نیز به مناسبت بزرگداشت مقام معلم، هزینه عوارض ساخت و ساز مسکونی برای این گروه با معافیت های اعمال کرد.

مسعود شکوهی اضافه کرد: براساس مصوبه شورا، از ۱۲ اردیبهشت ماه سال جاری همزمان با شهادت استاد مطهری و روز بزرگداشت مقام معلم تا ۳ خرداد روز آزادسازی خرمشهر، معلمان و بازنشستگان فرهنگی برای ساخت و ساز مسکونی شان از پرداخت ۱۰۰ درصد عوارض معاف هستند. وی افزود با توجه به درخواست های فرهنگیان جهت تمدید این معافیت با تصویب در جلسه علنی شب گذشته شورا این معافیت تا بیست خرداد ماه تمدید شد. شایان ذکر است براساس مصوبه شورا این هدیه تنها شامل فرهنگیان رسمی و بازنشسته شهر بوشهر می شود و متقاضیان از پرداخت عوارض ساخت و ساز مسکونی تا سقف ۲۰۰ متر مربع در یک طبقه معاف خواهند بود

چهار طرح پژوهشی در دستور کار مرکز پژوهش ها ی شورای بوشهر

رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر بوشهر از چهار طرح پژوهشی در دستور کار این مرکز خبر داد. امان الله شجاعی در حاشیه جلسه علنی شورا گفت: اجرای چهار طرح پژوهشی مرکزکه مورد تصویب اعضای شورا قرار گرفته آغاز شده است . وی این چهار طرح پژوهشی را: ۱- آسیب شناسی شوراهای اول ، دوم و سوم ۲- پیشینه شورای اول ،دوم وسوم ۳- محله محوری ۴-فرهنگ شهروندی (شهر خوب، شهروند خوب) معرفی کرد و ابراز داشت هم اکنون پژوهشگران در حال انجام آن هستند . شجاعی در پایان گفت : نتایج این چهار طرح حداکثر تا ۶ماه آینده آماده می شود و خلاصه این پژوهش ها نیز به صورت کتابچه منتشر خواهد شد .

ابهام در وضعیت درآمد و هزینه کرد حساب حذف پارکینگ شهر بوشهر

با سابقه ترین عضو شورای شهر بوشهر خواستار مشخص شدن وضعیت درآمد حساب حذف پارکینگ شد. نصرالله اسدی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورا گفت: در زمان شهردار قبل در مورد اختصاص حساب خاص برای حذف پارکینگ گزارش داده شد که دومیلیاردتومان در حساب آمده اما مشخص نشد چگونه هزینه شده است. سئوالی که دارم این است شهرداری اعلام کند پول حذف پارکینگ به کجا واریز می شود وضعیت درآمدی آن چگونه است و همچنین نحوه هزینه کرد آن نیز مشخص شود زیرا امروز در اکثر خیابانهای شهر با مشکل پارکینگ مواجه هستیم .

انتقاد نائب رئیس شورا از وضعیت پلاژ بانوان بوشهر

نائب رئیس شورای شهر بوشهر گفت پلاژ بانوان در وضعیت نامناسبی به سر می برد و باید برای آن فکری اساسی کرد. حمیده ماحوزی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورا گفت : هفته گذشته در محل پلاژ بانوان بازدیدی از این پلاژ داشتم واقعا تاسف خوردم که پلاژی که با هزینه میلیاردی ساخته شده است به دلیل ندانم کاری به این وضعیت تبدیل شده است. وی افزود جاده دسترسی به پلاژ موزائیک کاری شده است که این به جاده پیاده تبدیل شده و جای عبور فقط یک ماشین دارد که با قرار دادن یک کانکس بزرگ در کنار درورودی پلاژ عملا هیچ ماشینی نمی تواند وارد پلاژ شود. نائب رئیس شورا درادامه گفت : اگر خدای ناکرده با توجه به ماهیت این محل اگر حادثه ای در آنجا اتفاق بیفتید ماشین اورژانس هم نمی تواند وارد این محل شود. وی در ادامه افزود: پلاژی که ۶متر عمق داشت الان به نیم متر رسیده است و عملا هیچ کارایی ندارد وبانوان نمی توانند در آن شنا کنند. وی تصریح کرد با توجه به هزینه میلیاردی که برای ساخت این پلاژ شده برای لایروبی آن باید سریع اقدام شود.

عضو کمیسیون شورا : شهرداری بوشهر روکش آسفالت خیابانهای اصلی شهر را در دستور کار قرار دهد

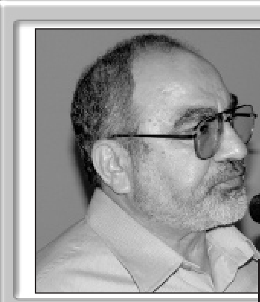
عضو کمیسیون عمران شورا گفت شهرداری روکش آسفالت خیابانهای اصلی شهر را در دستور کار خود قرار دهد. نصر الله اسدی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورا گفت : با توجه حفاریهای صورت گرفته توسط شرکت های گاز، مخابرات ،آب و برق در اکثر کوچه ها وخیابانهای اصلی شهر که باعث تخریب کوچه ها و خیابانها شده و شهروندان از این وضعیت ناراضی هستند و وسائل نقلیه آنها متحمل هزینه شده است.

وی افزود: درخواستی که از شهرداری دارم این است همانطور که شهرداری برای آسفالت کوچه ها برنامه دارد روکش آسفالت خیابانهای اصلی شهر را هم در دستور کار خود قرار دهد تا شاهد رضایت مندی بیشتر شهروندان بوشهری باشیم.

پیشنهاد رئیس مرکز پژوهش های شورا برای راه اندازی سایت بوشهر داک

رئیس مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر بوشهر خواستار راه اندازی سایت بانک اطلاعات جامع بوشهر «بوشهر داک» شد. امان الله شجاعی در نطق پیش از دستور خود در جلسه علنی شورا گفت : هم اکنون یک سایت جامع برای کسانی که می خواهند در مورد بوشهر تحقیق کنند و نیاز به اسناد و اطلاعات لازم داشته باشند وجود ندارد، پیشنهادی که دارم این است شورا و شهرداری سایت بوشهر داک (بانک اطلاعات جامع بوشهر) راه اندازی کند. سایتی که هر محقق و دانشجوی بخواهد در مورد بوشهر تحقیق کندو نیاز به اسناد و اطلاعات داشته باشد به راحتی در اختیارش قرار بگیرد راه اندازی شود.

پرسه ای در پس کوچه های فقر جهانی



دکتر سید عبدالصاحب امامی

پیشگفتار : در عصر پیچیده و پر رمز و راز کنونی که ظهور اندیشه های نو و دگرگونی های شگرف جلوه های زندگی اذهان را به خود مشغول می دارد، پرداختن به واقعیت های موجود حیات آدمیان شاید چندان بی ثمر نباشد. یکی از این واقعیت های تلخ و جانکاه، پدیده شوم فقر است که از دیرباز همزاد و هم آغوش ابناء بشر بوده است. فقر مزمن "که مثل خوره" همه کرامت و منزلت انسانی را "می خورد و می تراشد". این روزها که یکی را "قرص نان جوی آلوده با خون" و دیگری را "صد ناز و نعمت" است. عصر بی کاری و دست خالی به خانه برگشتن مردان غیرتمند در شامگاه های غمزده خاموش و برآورده نشدن آرزوهای پاک کودکان لخت و گرسنه برای یک توپ کوچک و با یک عروسک ارزان، و تجربه مجسم هزاران صحنه دلخراش دیگر در دوران تقابل دهشتناک فقر و ثروت. چگونه می توان این همه تفاوت های سهمناک را از میان برداشت و چگونه می توان فقر، این بلای هستی سوز، را از صحنه خاک تاراند؟ ارائه پاسخ های اندیشمندان بدین پرسش از مرز زمانی این نوشتار بیرون است. اما پیش از پرداختن به اصل موضوع، شاید اشاره ای به تقسیم بندی اقتصادی کشور های جهان، به خاطر ارتباط با مطلب مطرح شده، مفید باشد.

کشور توسعه یافته

برای تعریف کشور توسعه یافته می توان از تبیین رشد اقتصادی و امنیت بهره گرفت. معمولترین معیارها برای ارزیابی درجه رشد کشورها، بررسی تولید ناخالص داخلی، در آمد سرانه، سطح صنعتی شدن، مقدار گستردگی زیر ساخت ها و استاندارد کلی زندگی آنها است. در تعیین معیارها و طبقه بندی کشورها، از نظر توسعه، اختلاف نظر وجود دارد. طبق گزارش صندوق بین المللی پول، اقتصاد های پیشرفته ۶۵/۸درصد تولید ناخالص داخلی اسمی و ۵۲/۱درصد تولید ناخالص داخلی (برای قدرت خرید) را به خود اختصاص داده اند. ده بزرگترین اقتصاد های پیشرفته، هم از نظر تولید ناخالص داخلی اسمی و هم به لحاظ تولید ناخالص داخلی (برای قدرت خرید)، عبارتند از ایالات متحده امریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، کانادا، استرالیا، اسپانیا، و کره جنوبی. کشورهای نامناسب با این تعاریف را کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته می نامند. واژگان مشابه دیگری برای تعریف کشور توسعه یافته شامل این موارد است: کشور پیشرفته، کشور صنعتی، کشور توسعه یافته تر، کشور توسعه یافته تر از نظر اقتصادی، کشور شمال جهان، کشور جهان اول، کشور پسا صنعتی.

کشور در حال توسعه

کشور در حال توسعه، که به کشور کمتر توسعه یافته نیز معروف است، کشوری است که دارای استاندارد پائین زندگی، پایگاه صنعتی توسعه نیافته، و شاخص های پایین توسعه انسانی است. کشورهایی که اقتصاد پیشرفته تری نسبت به سایر کشورهای در حال رشد دارند، اما هنوز علامت یک کشور پیشرفته را به طور کل از خود نشان نمی دهند، تحت عنوان کشورهای تازه صنعتی شده طبقه بندی می شوند. اما به قول بخش آمار سازمان ملل، در حال حاضر، هیچ قرارداد پا بر جایی برای تعیین کشورها یا نواحی به عنوان "توسعه یافته" یا "در حال توسعه" در این سازمان و جود ندارد. روی هم رفته، سازمان ملل شاخص های متعددی را برای تعیین توسعه مطرح نموده است که پرداختن بدان ها در ظرفیت این نوشتار نمی گنجد و نیازمند رجوع به گزارش های آن سازمان است.

تعریف فقر

فقر یعنی حالتی که در آن انسان فاقد دارایی های مادی یا مالی است. فقر مطلق، یا تهیدستی، دلالت بر حالتی دارد که در آن فرد، فاقد نیازهای اساسی انسان مثل آب پاک و نوشیدنی، تغذیه، مراقبت از سلامت، آموزش و پرورش، پوشاک و سرپناه است. امروزه تخمین زده می شود که ۱/۷ میلیارد انسان در فقر مطلق به سرمی برند. فقر نسبی، به نداشتن یک سطح معمول یا قابل قبول اجتماعی منابع یا درآمد در مقایسه با دیگران در یک جامعه یا کشور، اشاره دارد. بانک جهانی، فقر را به عنوان گرسنگی، نداشتن سرپناه ، ناخوش بودن و ناتوانی در رجوع به پزشک، تعریف می کند. فقر یعنی عدم دسترسی به مدرسه و سوادآموزی، فقر یعنی بیکاری، ترس از آینده و نومید زیستن، فقر یعنی ناتوانی در ابراز وجود و درخواست حقوق مشروع و آسانی خود، فقر یعنی واماندگی.
سازمان ملل فقر را چنین تعریف کرده است، اصولا، فقر یعنی منع انتخابها و فرصتها و تجاوز به منزل انسان. فقر به معنی نداشتن توانایی اساسی در مشارکت اثربخش اجتماعی است. فقر یعنی نداری برای تغذیه و پوشاک خانواده، نداشتن مدرسه یا درمانگاه ، نداشتن زمین برای کشت خوراک، و یا شغلی برای کسب معاش، و نداشتن اعتبار مالی. فقر یعنی ناامنی، ناتوانی و طرد شدگی افراد، خانواده ها، و جوامع. فقر یعنی پذیرندگی خشونت. و سرانجام، فقر غالبا به زندگی حاشیه ای یا آسیب پذیر، بدون دسترسی به آب پاک یا بهداشت، دلالت دارد.

حقایقی از گرسنگی و فقر جهانی

*جمعیت جهان:
۶/۸ میلیارد نفر
* گرسنگی جهانی
– ۹۲۵ میلیون انسان غذای کافی برای خوردن ندارند یعنی بیش از جمعیت ایالات متحده آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا روی هم.
– ۹۸ درصد اشخاصی که به سوء تغذیه مبتلا هستند در کشورهای در حال رشد زندگی می کنند.
– دو سوم گرسنگان جهان فقط در هفت کشور زندگی می کنند: بنگلادش، چین، جمهوری دموکراتیک کنگو، اتیوپی، هند، اندونزی و پاکستان.
* در کجا گرسنگی از هر جای دیگر شدیدتر است؟
– آسیا و اقیانوس آرام ۵۷۸ میلیون نفر
– صحرای جنوب افریقا ۲۳۹ میلیون نفر
– امریکای لاتین و کارائیب ۵۳ میلیون نفر
– خاور نزدیک و شمال افریقا ۳۷ میلیون نفر
– کشورهای پیشرفته ۱۹ میلیون نفر

* زنان و کودکان

– ۶۰ درصد گرسنگان جهان را زنان تشکیل می دهند.
– در کشورهای در حال رشد ۵۰ درصد زنان باردار از مراقبت های مادرانه مناسب بهره مند نیستند که هر ساله موجب مرگ بیش از ۳۰۰ هزار مادر هنگام زایمان می شود.
– در کشورهای درحال رشد، از هر ۶ نوزاد یک نفر با وزن کمتر از حد طبیعی متولد می شود.
– یک سوم مرگ و میر کودکان در صحرای جنوب آفریقا ناشی از گرسنگی است.

– در هر پنج ثانیه یک کودک در اثر بیماری ناشی از گرسنگی می میرد.

* ایدز و بیماری های دیگر

– ۳۵ میلیون نفر با بیماری ایدز زندگی می کنند.
– ۶۵ درصد از جوانانی که با ایدز زندگی می کنند را زنان تشکیل می دهند.
– ۹۰ درصد تمام کودکان و ۶۰ درصد تمام زنانی که با ایدز زندگی می کنند در صحرای جنوب آفریقا هستند.
– بیش از ۱۱ میلیون کودک از مشکلات قابل پیشگیری سلامت مثل مالاریا، اسهال، و سینه پهلو می میرند.

*فقر

– در کشورهای در حال رشد، ۱/۴ میلیارد نفر با درآمد روزانه ۱/۲۵ دلار یا کمتر از آن زندگی می کنند.
– در نواحی روستایی از هر ۴ نفر، ۳ نفر با در آمد روزانه ۱/۲۵ دلار زندگی می کنند.
– هر روز ۲۲۰۰۰ کودک به علت فقر می میرند.



توضیح عکس: عکس پربیننده کرکسی که یک دخترک استخوانی سودانی را که در راه رفتن به یک ایستگاه تغذیه از حال رفته است، جایزه ی پولیتزر سال ۱۹۹۴ را برای آقای کوین کارتر (carter Kevin) خبرنگار نیویورک تایمز را به ارمغان آورد. کارتر به خاطر پیروی دقیق از اصل ژورنالیستی مشاهده گر بودن و عدم مداخله بدنام شد. او پس از گرفتن عکس صحنه را ترک کرد و نه او و نه نیویورک تایمز که این عکس را برای اولین بار در ۲۶ مارس ۱۹۹۳ را منتشر ساخت ندانستند که بر آن دخترک چه اتفاقی افتاد. (نگاه به عکس پایان خوش ماجرا را بعید می نمایاند). کارتر پس از چند ماه پس از کسب جایزه پولیتزر به خاطر عدم تحمل فشارهای روانی ناشی از حرفه ی خود، به ویژه در افریقای جنوبی دست به خودکشی زد.

*کشاورزی

– ۷۵ درصد فقیرترین افراد جهان یعنی ۱/۴ میلیارد زن، کودک، و مرد در نواحی روستایی زندگی می کنند و برای امرار معاش به کشاورزی و فعالیت های مربوط به آن وابسته اند.
– ۵۰ درصد گرسنگان را خانواده های کشاورز تشکیل می دهند.

* آب

– ۱/۷ میلیارد انسان به آب پاک دسترسی ندارند.
– هر ساله ۲/۳ میلیارد نفر از بیماری های منتقل از آب رنج می برند.
– ۱۲ درصد از جمعیت جهان ۸۵ درصد آب آن استفاده می کنند و هیچکس از این ۱۲ درصد در کشورهای در حال رشد زندگی نمی کند.

* تاثیرات بحران مالی اخیر بر فقر

– می گویند که ۴۳ کشور در حال توسعه به شدت در معرض تاثیرات این بحران، از نظر نرخ رشد و سطوح بالای فقر، قرار دارند.
– بانک جهانی خاطر نشان می سازد که زنان و دختران ۳۳ کشور در خطر بالای سقوط در فقر به علت سطح پایین تساوی جنسیتی در آموزش مدرسه ای، نرخ مرگ و میر بالای نوزادان، و شدت منفی رشد ناخالص داخلی قرار دارند.
– پیش بینی های جهانی شدت منفی تولید ناخالص داخلی و افزایش فقر را نشان می دهد.
– بخش بریتانیای توسعه بین المللی، افزایش ۹۰ میلیون فقر دیگر در کشور های در حال توسعه را به علت شتاب منفی ۴/۵ درصدی تولید ناخالص داخلی آن کشور، با احتساب نرخ ۱درصد رشد کمتر= ۲۰ میلیون فقر بیشتر، تخمین می زند.
– بانک جهانی فقیران جدید را، بر مبنای خط فقر روزانه دو دلار آمریکایی، از ۵۳ میلیون به ۶۵ میلیون، و بر مبنای خط فقر روزانه ۱/۲۵ دلار، از ۴۶ میلیون به ۵۳ میلیون نفر تخمین زدند.
– یونسکو یک نزول بیست درصدی یا ۴۶ دلار امریکایی در درآمد سرانه ۳۹۰ میلیون فقیر در جنوب آفریقا را تخمین می زند.
– سازمان بین المللی کار افزایش بیکاری جهان را از ۱۸ میلیون به ۵۱ میلیون تخمین می زند.
– بانک جهانی افزایش سالانه بین ۲۰۰/۰۰۰ تا ۴۰۰/۰۰۰ مرگ و میر نوزادان را تخمین می زند. نزول یک درصدی رشد ناخالص داخلی، به طور متوسط، مرگ و میر اضافی ۱/۵ پسر و ۷/۴ دختر در هر هزار تولد را در پی خواهد داشت.

پسگفتار : حاصل این پرسه پرالتهاب و زود گذر در پس کوچه های غم آلود فقر جهانی چیست؟ تقصیر این همه فقر در جای جای جهان به عهده کیست؟ آیا تهیدستان را به خاطر بدبختی هایشان باید سرزنش کرد؟ آیا آنان تن آسا، بی استعداد، بی اراده، نالایق، کم هوش، و مسئول اوضاع فلاکت بارشان هستند؟ دولت ها چطور؟ آمارهای رسمی نشان می دهند که نه تنها فاصله طبقات فقر و غنی در حال گسترش است، بلکه شکاف اقتصادی– اجتماعی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز عمق و پهنای بیشتری می یابد. در سال ۲۰۱۲ (سال جاری مسیحی) ثروت یک مکزیکی عرب تبار به نام کارلوس سلیم حلو ۶۹ میلیارد دلار، بیل گیتس امریکایی ۶۱ میلیارد دلار، وارن بوفت امریکایی ۴۴ میلیارد دلار، برنارد آرنولت فرانسوی ۴۱ میلیارد دلار، امانسیو ارتگا اسپانیایی ۳۷/۵ میلیارد دلار، لاری السین امریکایی ۳۶ میلیارد دلار، آیکه باتیستا برزیلی ۳۰ میلیارد دلار، استفان پرسون سوئدی ۲۶ میلیاردلار، لی کاشینگ هنگ کنگی ۲۵/۵ میلیارد دلار، و کارل آلبرشت آلمانی ۲۵/۴ میلیارد دلار بوده است.
جالب این است تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۱۱ میلادی برابر با ۷۰۱۶۰ میلیارد دلار امریکایی بوده است.
خودتان این بی عدالتی جان را محاسبه کنید. ببینید که چگونه فقط این ده نفر، ثروت جهان را در کیسه خود اندوخته اند. آیا انجمن های خیریه بعضی از این افراد می تواند در برقراری عدالت اقتصادی جهان کمک کند؟ در اینجاست که مسئولیت های مستقیم دولتهای جهان در برقراری عدالت همه جانبه اجتماعی و ریشه کنی فقر به خوبی عیان می شود. فرهخیتگان و اندیشمندان کشورها نیز با توجه کامل به شاخص های توسعه پایدار ملی و جهانی باید به وظایف انسانی خود عمل کنند. در جهان امروز، آموزش و پرورش کیفی را یکی از عوامل کارساز و حیاتی برقراری عدالت اجتماعی و غلبه بر چالش های نوین اقتصادی می دانند. آموزش و پرورش کیفی برای همه فرزندان جهان. آموزش و پرورشی که تمام ابعاد وجودی فراگیران را رشد دهد و آنان را برای زندگی پر از امید و نشاط آینده آماده می سازد.

دوراهی‌های اخلاقی در عکاسی خبری

اشرف‌سادات احدزاده

عکاسان خبری اغلب با دوراهی‌های اخلاقی روبرو می‌شوند. عکاسی ابزار قابل اعتمادی است برای ثبت آنچه دیگران از دریچه چشمانشان می‌بینند. در طول تاریخ تصاویرفراهم شده توسط رسانه‌ها نقش بی بدلیلی را در شکل گیری حافظه جمعی مردم ایفا کرده است. عکس‌های رسانه ای می‌تواند شامل عکس‌های شگفت انگیز و عکس‌های دردناک و تاثرانگیزی باشد. رسانه‌های خبری که درصدد ارائه گزارشات دقیق از واقعیت‌های اجتماعی به مردم هستند از عکاسی به عنوان پنجره‌ای رو به دنیا استفاده کنند.
روزانه هزاران عکاس خبری برای به ثبت رساندن لحظات واقعی زندگی ما تلاش می‌کنند. برخی از عکاسان صدها و شاید هزاران کیلومتر را سفر می‌کنند تا وقایع و رخدادهای بزرگترمثل جام جهانی فوتبال را پوشش دهند.
گزارش تصویری تنها محدود به تهیه گزارش از وقایع و رویدادهای شیرین و خوشایند نمی‌شود بلکه حوادث تلخ، تاسف آور و دردناکی همچون جنگ، بلایای طبیعی، تصادفات و غیره را نیز دربرمی‌گیرد.
در هر دو حالت عکاس خبری شاهد رویدادی است که فهم و درک مخاطب را از مهمترین وقایع زندگی می‌سازد. برخی از این وقایع بلایا و فجایعی هستند که با خود مرگ، نابودی و تخریب را به همراه دارند. عکاسان خبری با چشمان خود شاهد و ناظر صحنه‌های شاد و تلخی هستند که ارتباط تنگاتنگی با زندگی و جان انسان‌ها دارد.
عکاسی کردن از صحنه‌های تراژدی به ویژه آن دست صحنه‌هایی که در آنها انسان جان خود را از دست می‌دهد موجب بروز تعارضات اخلاقی پیچیده و بغرنجی برای عکاسان خبری می‌شود.
عکاسان خبری مجبورند از میان عمل به وظیفه اخلاقی شان به عنوان یک فرد ناجی برای نجات قربانیان وعمل به مسئولیت شان به عنوان یک عکاس خبری برای به ثبت رساندن صحنه‌های تراژدی یکی را انتخاب کنند.
این نوع از دو راهی‌های اخلاقی است که می‌تواند به عنوان تعارضات میان وظیفه اجتماعی و مسئولیت حرفه ای یا شغلی، دیده شود.
هرچند که این دوراهی‌های اخلاقی صرفا منحصر به عکاسان خبری نمی‌شود. هر فردی در جامعه می‌تواند با دوراهی اخلاقی در زندگی روزانه‌اش نیز مواجه شود. تصور کنید که شما به فرزندتان قول داده‌اید که او را برای تماشای یک نمایشنامه که راس ساعت ۷ بعدازظهر شروع می‌شود، همراهی کنید. در میان راه شما با خانم نسبتا مسنی روبرو می‌شوید که ماشینش پنچر شده و از شما کمک می‌خواهد. در این شرایط شما دچار سردرگمی می‌شوید که آیا باید به قولی که به فرزندتان داده‌اید عمل کنید یا باید به ندای وجدان تان گوش کرده و به آن خانم کمک کنید. تعارض میان این دو امر که هر دو هم حق هستند یک دوراهی اخلاقی به شمار می‌آید.
اما دوراهی‌های اخلاقی که عکاسان خبری با آن مواجه می‌شوند خیلی جدی تر و پیچیده تر از این مسائل به نظر می‌رسد، چرا که آنها پیوسته مجبورند تراژدی‌های انسانی را به ثبت برسانند. این نوع از دو راهی‌های اخلاقی می‌تواند بسیار چالش برانگیز باشد زیرا نمی‌توانیم جواب ساده ای را برایشان بیابیم.
قریب به دو دهه پیش عکاس خبری جوانی که اهل آفریقای جنوبی بود این دوراهی اخلاقی را به بدترین شکل ممکن تجربه کرد. در یک ظهر سوزان در مارس ۱۹۹۳ کوین کارتر عکسی را از دختربچه آفریقایی گرفت که از سوء تغذیه بسیار نحیف و لاغر شده بود. آن دختر آفریقایی در حالی‌که سرش را به سمت زمین خم کرده بود، تلاش می‌کرد تا خود را به مرکز غذارسانی ملل متحد برساند. در پشت سر این دختر کرکسی انتظار مرگ آن دختر بچه را می‌کشید.
عکس گرفته شده توسط این خبرنگار برای اولین بار توسط نیویورک تایمز به چاپ رسید و سپس در سرتاسر دنیا و بنگاه‌های خبرپراکنی توزیع شد. آن عکس به سرعت به نمادی از آلام و دردهای آفریقایی‌ها تبدیل شد. عکس کارتر نمونه بسیار خوبی از قدرت و تاثیرگذاری غیرقابل انکار عکس و عکاسی به شمار می‌آید. برخی معتقد بودند که عکس کارتر بسیار تاثیرگذارتر از صدها گزارشی بود که با هدف انعکاس تألمات آفریقایی‌ها تا آن روز تهیه شده بود. آن عکس برنده جایزه پولیتزر شد. این جایزه برای عکاسان و حرفه روزنامه‌نگاری از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. هزاران خواننده نگران سرنوشت آن دختربچه کوچک شدند. بسیاری به نیویورک تایمز نامه نوشتند و یا تماس تلفنی برقرار کردند تا از سرنوشت آن دختر بپرسند که آیا او به مرکز غذارسانی زنده رسیده و از گرسنگی و قحطی نجات یافته بود. البته بسیاری نیز به کارتر انتقاد کردند که وی به جای گرفتن عکس باید به آن دختربچه کمک می‌کرده است و کارتر را فردی بی توجه به آلام و مشکلات مردمان آفریقا به شمار آوردند.
بسیاری از خوانندگان می‌خواستند بدانند که چرا کارتر آن بچه را به آن مرکز نبرده و یا به آن غذا نداده است. منتقدان اخلاقی کارتر را مورد انتقاد قرار داده و وی را متهم کردند که با گرفتن این عکس به دنبال کسب منافع شخصی بوده است.
۲ ماه بعد از دریافت جایزه پولیتزر، کارتر در ژوهانسبورگ خودکشی کرد. هر چند که دلیل قطعی خودکشی وی مشخص نشد ولی آن را چندان هم بی ارتباط با آن عکس و عوامل مربوط به آن نمی‌توان دانست.
ماجرای پیش آمده برای کارتر باعث شد مسئله دوراهی‌های اخلاقی که عکاسان خبری با آن مواجه هستند مورد دقت بیشتری قرار گیرد.
جان لانگ مدیر اسبق انجمن عکاسان مطبوعات ملی (NPPA) خاطر نشان می‌کنند که همه روزنامه‌نگاران همیشه در انتخاب بین کمک به سوژه عکس یا عکاسی کردن دچار سردرگمی‌می‌شوند. هرچند ممکن است درست شرایطی را که برای کارتر بوجود آمد تجربه نکنند. باید برای این دوراهی‌های اخلاقی چاره‌ای اندیشید پیش از این‌که روزنامه‌نگاران در آن موقعیت بحرانی قرار بگیرند و لحظات تلخی را تجربه کرده و در انتظار آینده تلخ تری باشند.
منبع: وب سایت مرکز موسسه آموزش همشهری

جای خالی شرم

عباس معتمد

همه ما از شرم معانی متفاوتی در ذهن داریم. برخی از ما حس شرم را به احساس سرافکندگی در برابر دیگران از بابت انجام یا ترک انجام وظیفه ای که جمع و عرف و شرع و ... برایمان در نظر گرفته تعبیر می کنیم. برخی دیگر شرم را به حیا تعبیر می کنیم که آن هم نوعی سرافکندگی است اما نه در برابر همنوعان، که در برابر آفریدگار.
مطابق هر دو معنا وقتی دچار حس شرمساری می شویم که عاملی بیرونی ما را متوجه زشتی و قبح فعل یا ترک فعلمان می کند و تا زمانی که با واکنش بیرونی نسبت به رفتارمان روبرو نشویم چیزی به نام شرم را تجربه نمی کنیم. به عبارت روشنتر در این وضعیت فرد شرمسار، حالتی منفعلانه دارد. در این نوع تعریف از شرم، آنچه که به ما تلنگری می زند زشتی کردار یا پندارمان نیست بلکه سرزنش دیگران است که گونه های ما را از خجلت سرخ می کند. چه بسا اگر محیط پیرامون فرد خطاکار نسبت



رفتار صورت گرفته از جانب او واکنشی نشان ندهد فرد نیز دچار سرافکندگی نشود. یعنی این جمع است که حسن و قبح کردار و پندار را تشخیص می دهد و تشخیص فرد در باب ذات و چیستی رفتار و خوب یا بد بودن آن جایی ندارد. نمود این طرز نگاه را می توان در ضرب المثل رایج "خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو" دید.
اما در باب شرم و تجربه ی حس شرم نگاهی دیگر نیز می توان داشت. طبق این نگاه حس شرم عبارت است از خودآگاهی فرد نسبت به کژی ها و ناراستی ها و ناخالصی هایی که در کردار و پندار و به طور اعم در همه شئون و ابعاد زندگی فرد وجود دارد. در پی این خود آگاهی است که فرد در صدد رفع این کژی ها بر می آید. در اینجا فرد در انفعال قرار ندارد که جمع برای او حسن و قبح رفتارش را تشخیص دهند بلکه این خود اوست که به واکاوی رفتار و پندار خود می پردازد و در پی پالایش آن بر می آید. بر طبق این تعریف، حس شرم از کمترین بار معنایی منفی برخوردار نیست بلکه حسی است پویا و زیبا که تجربه ی آن برای هر انسان و نیز هر جامعه ی خواهان رشد و تعالی لازم و حیاتی است. و متاسفانه این تعریف از حس شرم است که در جامعه ی ایرانی به ندرت دیده می شود. و آنچه که در بین ما به فراوانی دیده می شود شرمساری و خجلت است نه حس شرم.
آنچه در بالا آمد چکیده ای بود از کتاب " در ستایش شرم" اثر حسن قاضی مرادی که متناسب با درک خود از خواندن آن نوشتم. این کتاب توسط نشر "اختران" در چند نوبت چاپ به بازار کتاب عرضه شده است. نویسنده در این کتاب سعی داشته با تعریفی نو از حس شرم به آشنایی زدایی از معنا و مفهوم شرم و حس شرم بپردازد و به تبیین جای خالی تجربه ی حس شرم – که در واقع یگانه معنای شرم همین است – در اندیشه ی ما ایرانیان بپردازد. این کتاب – که با قیمتی ارزان یعنی ۱۸۰۰ تومان عرضه شده– در تغییر برداشت ذهنی از حس شرم و تبیین اهمیت تجربه ی حس شرم بسیار موثر و کارساز است، به همین خاطر اگر در این زمینه دغدغه مند هستید خواندن آنرا از دست ندهید.

ادب و هنر
شماره ۶۶۳ - یک شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

ترانه های دوشنبه های ادبی نسیم جنوب



جلسه ی ادبی نسیم جنوب در ادامه ی جلسات قبل به بحث ترانه از طرف خانم رضایی طرحانی اختصاص یافت . خانم رضایی در جلسات گذشته پیرامون تاریخچه ی ترانه سرایی در ایران مقاله ای را ارائه داد که در این مقاله به این موضوع مهم اشاره کرد که تاریخ ترانه سرایی در ایران بر می گردد پیش از تاریخ مدون و بر این تاکید کرد که در این مقاله به تاریخ معاصر ترانه سرایی اشاره گردیده است.
ایشان به دوره های تاریخی ترانه در ایران به شرح زیر اشاره کرد:
الف :پیش از شیدا. ب : دوره ی نخست (۱۳۱۹-۱۲۵۰). ج :دوره ی دوم (۱۳۴۱-۱۳۱۹). د : دوره ی سوم (۱۳۵۷ -۱۳۵۰). ه : دوره ی چهارم (۱۳۵۷تا کنون)
در بخشی از این مقاله به این اشاره شده بود که هر ترانه گونه ای از شعر است اما هر شعر نمی تواند ترانه بشود. در ادامه ایشان به این موضوع اشاره کرد که گنجاندن مضامین اجتماعی و تصویر سازی در شعر ترانه اگر بخواهد خوب جا بیفتد کار دشواری است و در ادامه به ویژگی های یک ترانه ی خوب اشاره کرد و آنها را ، هم خوانی با صدای خواننده و، سادگی و روانی در عین داشتن صور خیال ،همخوانی با ملودی و سرعت آهنگ ، عدم تکرار بیش از حد بندها ، ارتباط قو ی طولی ، تنوع در وزنو تازگی عبارات برجسته شعر ترانه دانست.
خانم رضایی در ادامه ی صحبت های خود در این جلسه اشاراتی به ترانه های پیش از اسلام و بعد از اسلام کرد و گفت که هنوز کسی نتوانسته تاریخ و نام اولین نفری که ترانه را بر پایه ی ملودی سروده باشد را بیان نماید. اما پیشینه ی ترانه سرایی در زبان پارسی به متن های ساسانی بر می گردد و خسروانی هایی که به باربد منسوب است .
ایشان در ادامه گفت که از باربد در متن های ادبی بسیار یاد شده و سی لحن او در ادبیات پارسی معروف است .
ایشان گفت که بعد از ورود اسلام و قوالب ادبی رایج شده معمولا از رباعی به عنوان ترانه یاد می شده و تعابیر دیگری نیز از ترانه می گردیده که می توان به حراره گویی اشاره کرد .
در ادامه هم ایشان به فهلویات به عنوان قدیمی ترین شعرهایی که خارج از قالب های کلاسیک سروده می شد اشاره کرد و از دوبیتی های بابا طاهر به عنوان قدیمی ترین این فهلویات نمونه هایی ارائه کرد.
ایشان با توجه به مقاله ی سعید کریمی به صورت مفصل به دوره های نخست و بعد از آن پرداخت و در آخر به این نکته اشاره کرد که با آن که بیش از یکصد سال از عمر ترانه سرایی معاصر در ایران می گذرد تازه در سالهای اخیر است که نخستین گام ها در زمینه ی تئوریک و تبیین معیارهای زیبایی شناختی ترانه سرایی برداشته شده است.
در ادامه ی جلسه استاد آرش نیا به ترانه های بومی و محلی اشاره کرد و گفت که ما از این نمونه ترانه ها بسیار داریم که مکتوب نشده اند در صورتی که این نوع ترانه های بومی با احساس و اعتقادات مردم بسیار اجین هستند و روح جمعی مردم در بسیاری از این ترانه ها دمیده شده و به نمونه هایی از این ترانه ها اشاره کرد.
در ادامه ی جلسه ، سایه ی درختیان، فرح راورد شیری، مینا درعلی، محمود یوسفی و زهرا رضایی شعرهای خود را خواندند.

درخشش داریوش غذبانی در مجموعه تاریخی بیستون

به گزارش خبرنگار سایت نیم دری، اختتامیه سومین جشنواره آثار و تولیدات استانی حوزه هنری با حضور مدیران فرهنگی و هنری کشور در مجموعه تاریخی بیستون کرمانشاه برگزار شد. این برنامه علاوه بر معرفی و تقدیر برگزیدگان (نفرات اول) رشته مختلف هنری این جشنواره، همچنین از ۳۰ هنرمند پیشکسوت که با حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی همکاری داشته اند تجلیل شد. که از استان بوشهر، از پژوهشگر و محقق سید قاسم یاحسینی تجلیل شد. حوزه هنری استان بوشهر در بخش هنرهای تصویری ، در بخش داستانی با فیلم ماجرای آن روز اثرداریوش غذبانی توانست مقام اول این بخش رابه خود اختصاص دهد. شایان به ذکر است این فیلم برای گروه سنی کودک و نوجوان در حوزه هنری استان بوشهر ساخته شد و تاکنون در جشنواره های بین المللی (رشد و کودک و نوجوان اصفهان) و دریافت جایزه و تندیس بهترین کارگردان فیلم داستانی از جشنواره بوشهر شد .

غلامرضا احمدی هنرمند بوشهری:

باید سوادش را داشته باشی تا خاص اجرا کنی



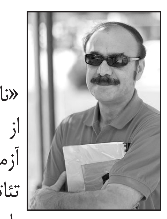
غلامرضا احمدی یکی از هنرمندان بوشهری که در زمینه های نویسندگی ، کارگردانی به صورت جدی فعالیت داشته و همچنین مسئولیت واحد طنز و مدیر روابط عمومی حوزه هنری استان بوشهر بر عهده دارد. سایت نیمدری با وی مصاحبه ای انجام داده که در زیر می خوانید:
– چه تعریفی از کارگردان تئاتر دارید؟
– کارگردان کسی است که آشنا با تئاتر باشد و بتواند همه ی عوامل را کنار هم بچیند . ریتم را خوب بشناسد . کارگردان تئاتر بایستی درونش پر باشد از زیبایی …
– یک کارگردان چگونه انتخاب عوامل می کند و در حقیقت گروه تشکیل می دهد؟
– با توجه به شخصیت های نمایش ، بازیگر انتخاب می شود . بعضی وقتها بازیگران براساس خصوصیت های تیپ های نمایش مشخص می شوند . انتخاب عوامل هم بستگی به توان افراد از لحاظ فنی دارد .
– حرکت های بازیگر چگونه ترسیم می شود؟
– من به شخصه به این مسئله اهمیت زیادی می دهم . اولین مورد تازگی و زیبایی حرکت است . بعضی وقتها از بی نظمی یک حرکت ، به یک نظم می رسیم . ریتم نمایش و سبک نمایش در این مهم بسیار تأثیر گذار است .
– بسیاری از کارگردانها بهانه می آورند که بازیگر نقش نمایش از عهده کار بر نمی آید و خود کارگردان به جای او بازی می کند تا یاد بگیرد ، فکر نمی کنید این لطمه بزرگی به بازیگر می زند ؟
– به نظر من اگر کارگردان بازی نکند بهتر است اما بعضی وقتها مجبور می شوی ورود کنی ، البته اگر کارگردان و بازیگر خوبی باشی هیچ اشکالی ندارد بازی کنی در صورتی که دستیار خوبی داشته باشی .
– یک کارگردان تئاتر چقدر باید از جامعه خود اطلاع کافی داشته باشد ؟
– اگر اطلاع نداشته باشد که فایده ندارد و تئاتر او هیچ جایگاهی نخواهد داشت . دغدغه های یک نمایشنامه نویس است که از درون یک جامعه بر می خیزد و یک اثر را خلق کرده و کارگردان آنرا انتخاب می کند .
– برخی از کارگردانها وقتی نمایش شان تمام می شود می گویند این تئاتر خاص بود و تماشاگرانی خاص باید می دیدند ؛ سوالی که اینجا مطرح می شود این است که ،تئاتر خاص چیست ؟
– تخصصی بودن مسئله ای است که در همه هنر ها وجود دارد. در تئاتر هم این مورد وجود دارد و بعضی نمایش ها توسط کارگردان های کار کشته و با تجربه و دارای سبک به این شکل اجرا می شود. باید سوادش را داشته باشی تا خاص اجرا کنی .
– دوست داریم بیشتر بدانیم از کی و با چه بازیگرهایی شروع کردید؟
– افتخار این را دارم که در خدمت محمد علی محب زاده و همین طور دوستان عزیزی چون : اسماعیل احمدی ، میثم بشکوه ، محمد مهدی صمیمی ، هادی کازرونی ، کریم محمودی ، احمد شیخ ذاکر ، زهرا محمودی ، سارا مخصوص ، لیلا دمان ، زینب انصاری و عباس عظیمی باشم .
– صحبت آخر …
– از همه دوستان که به من کمک کردند تشکر می کنم ، نام نمی برم چون مطمئناً حضور ذهن ندارم و ممکن است چند نفری از قلم بیفتند فقط از یک نفر که در این مدت زحمات بسیاری کشیده تشکر و قدر دانی فراوان می کنم و او کسی نیست جز همسرم خانم معموری بود که خود نیز از هنرمندان بوشهر است .



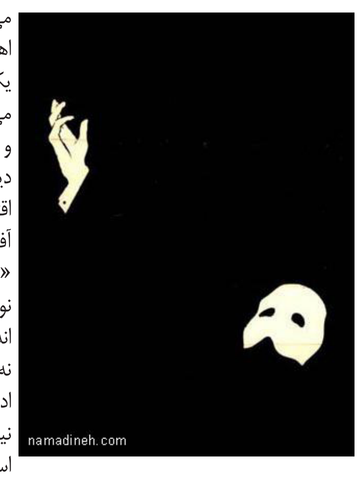
MEHR

وظیفه تئاتر در قبال ادبیات چیست؟

احمد آرام

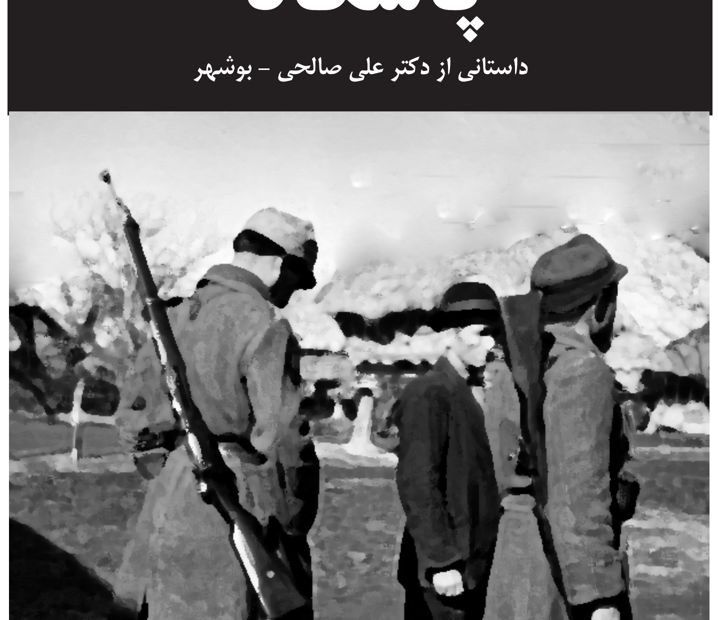


«تایم کاتان» در سال ۱۹۶۷ ، در کانادا ، از « یرژی گروتفسکی » بنیان گذار تئاتر آزمایشگاهی ،نظر او را در باره وظیفه ی تئاتر در قبال ادبیات جویا می شود و او چنین پاسخ می دهد :
گروتفسکی : « اساس تئاتر یک برخورد است . کسی که خودش را افشا می کند ، با خود رابطه ای برقرار می کند . یعنی صادقانه ، با انضباط و به شکلی دقیق و کامل با افکارش رو به رو می می شود . نه تنها افکار که تمام وجودش – از غریزه ها و ناخودآگاه گرفته تا شفاف ترین حالت ها – روبه رو می شود .
اما تئاتر برخوردی میان آفرینندگان نیز هست. میان من کارگردان و بازیگر . بازیگر با افشای خودش در واقع مرا افشاَ می کند . برخورد سوم میان من و بازیگران و متن روی می دهد . اما بیان واقعیت متن از ما بر نمی آید . در واقع فقط متن های ضعیف یک امکان تفسیر پیش روی ما قرار می دهند . تمام متن های بزرگ چاه ویلی پیش پای ما حفر می کنند . مثلن هاملت : کتابهای زیادی در باره شخصیت او نوشته شده است . هر استادی ادعا می کند که هملتی واقعی را کشف کرده است : هملن های انقلابی ، هملت های سرکش و ناتوان ، هملت بیگانه از جمع . … اما هملت واقعی در کار نیست . این اثر بسیار بزرگتر از این حرفهاست . در واقع نیروی متن های بزرگ در خاصیت سرعت دهندگی آن ها نهفته است : این متن ها درهای بسیاری را به روی ما می گشایند و ناخودآگاه ما را فعال می کنند . برخورد من با بازیگر ، برخورد من با متن و برخورد بازیگر با من ، شبیه یکدیگرند . متن ، هم برای بازیگر و هم برای من کارگردان ، نیشتری است که به ما اجازه می دهد با شکافتن یکدیگر و تعالی بخشیدن به یکدیگر ، آن چیز پنهان در درون مان را پیدا کنیم و سپس به سراغ دیگران برویم . به دیگر سخن ، تنهایی مان را تعالی بخشیم . متن در تئاتر همان نقشی را دارد که اسطوره برای شاعر روزگار باستان داشت . نویسنده «پرومته» در این اسطوره هم زمان یک کنش مبارزه طلبی و یک تخته پرش پیدا می کرد ؛ شاید هم سرچشمه خلاقیت شخصی اش را یافته بود . اما پرومته او محصول تجربه ی شخصی اش بود . این تمام چیزی است که می توان در این باره گفت و باقی همه بی اهمیت است . باز هم می گویم می توان یک متن را در کلیتش بازی کرد ، یا اینکه می توان تمام ساختار آن را به هم ریخت و یک جور کولاژ از آن ساخت . از طرف دیگر می توان در متن دست برد یا آن را اقتباس کرد . اما همه ی این کارها فقط آفرینش ادبی است نه آفرینش تئاتری . « برشت » و « شکسپیر » با متن های نویسندگان دیگر از این کارها زیاد کرده اند . اما در باره خودم باید بگویم که من نه اهل تفسیر ادبی ام و نه اهل برداشت ادبی ، چون هیچ کدام در صلاحیت من نیست . حوزه فعالیت من آفرینش تئاتری است. برای من به عنوان آفریننده ، خود واژه ها مهم نیستند ، بلکه کاری که ما با واژه ها می کنیم مهم است ؛ کاری که واژه های بی جان متن را زنده می کند و آن ها را به « کلمه » بدل می کند . من بازهم فراتر می روم : تئاتر زاده ی واکنش ها و انگیزه های انسانی و محصول برخورد افراد با یکدیگر است . یعنی همزمان کنشی زیست شناختی و روانی است . این را هم روشن گفته باشم که منظورم از این کار عشق بازی با تماشاگر نیست ، چون این کار به معنای تبدیل شدن به نوعی کالا خواهد بود .



پاسگاه

داستانی از دکتر علی صالحی - بوشهر

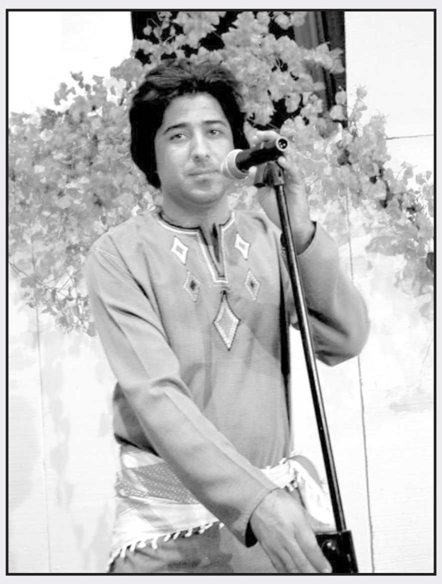


سرباز غلامی توی چهار چوب در می ایستد محکم پا می چسباند . استوار، که به پهلو روی تخت کنار پنجره خوابیده ، به طرفش می چرخد . پاکت سیگار را از کنار تخت بر می دارد . سیگاری آتش می زند و به غلامی نگاه می کند .
سرباز ، دست ها در امتداد بدن راست کشیده ، چانه بالا می گیرد و می گوید :
" قربان! اون پیرزنه باز هم داره می آد ."
استوار سر تکان می دهد و زیر لب می گوید : " عجب گیری افتادیم با این پیرزن دیوونه . نمی ذاره توی ظهر گرما چشم مون رو هم بیاد . عجوزه ! "
شلوارش را بالا می کشد و کمربند را محکم می بندد . طرح هیکل سرباز میان چهار چوب در ، توی زمینه ی نور زننده ی پشت سرش به سیاهی می زند . استوار، سیگار به لب ، دکمه ی پیراهنش را می بندد و می گوید : " تو برو سر پستت دیگه ."
غلامی پا می چسباند و عقب گرد می رود.
استوار با انگشت ، عرقِ پیشانی را پائین می ریزد و از پنجره به بیرون نگاه می کند . درخت بیدِ پاسگاه با شاخه های آویزان خاموش ایستاده است . نگاه استوار از بالای بید به آسمان می رود – آسمان دم کرده و سربی رنگ است – و روی خانه های روستا پائین می آید . کنار آخرین خانه راه باریکه شروع می شود ، روی زمین می خزد ، از چند فرو رفتگی پائین و بالا می رود – پیرزن بقچه به دست ، لرزان ، به کندی بالا می آید .گاهی دخترکی کنارش دیده می شود و بعد از یکی دو قدم پشت سر پیرزن جا می ماند .
استوار سر از پنجره بیرون می کند :
" غلامی ! "
" بله قربان . "
" بدو درو ببند ."
روی لبه ی تخت می نشیند . صدای بستن در پاسگاه را می شنود . سیگار را فرو می کند بین فیلترهای له شده توی قوطی کنسرو . سر میان زانوها پائین می آورد و شقیقه ها را می گیرد . کمی بعد صدای دق دق در می آید . استوار به حیاطِ پرآفتاب پاسگاه می آید و به غلامی علامت می دهد که تکان نخورد . به سربازِ توی برجک نگهبانی با دست نشان می دهد که به سمت پاسگاه برگردد و به پیرزن پشت کند . دق دق در . به اتاق بر می گردد و سیگار و کبریت راَ از روی تخت بر می دارد . کبریت می کشد . دق دق در . ناگهان مگسی روی بینی استوار می نشیند و هر چه او سر تکان می دهد بلند نمی شود . چسبیده است . استوار کبریتِ روشن را می اندازد و با دست مگس را می تاراند . کبریت می کشد سیگار را روشن می کند و به حیاط می رود . زیر بید می ایستد . صدای گنجشکی از توی شاخه ها می آید . سر بالا می کند پرنده را نمی بیند ، تنها تکان خوردن شاخه و بر گ ها را می بیند . نور سوزن سوزن پائین می ریزد .
"آهای جوون … دیت داغت نبینه الهی درو واز کن . با آغی رئیس کار دارم . "
غلامی محکم می گوید : " نیستش . چه کارش داری ؟ "
استوار می چرخد و پشت تنه ی بید پنهان می شود .
پیرزن بقچه را روی هره ی دیوار جلویش گذاشته ، به دو دست نرده های دیوار را گرفته و پیشانی چسبانده به نرده ها می گوید :
" هر روز پرس می کنی چه کارش داری … بچه ام … "
غلامی : " … "
پیرزن پشت نرده ها جا عوض می کند و می گوید :
" تو خودت سربازی می دونی چه می گم. انشالله سالم واگردی پیش دیت درو واز کن .ثواب می کنی ."
غلامی به سوی استوار سر می چرخاند . استوار به بالا سر تکان می دهد .
پیرزن دستش را از بین نرده ها رد کرده می گوید :
" بگو یه دقیقه بیاد کار واجبی دارم باش … بارک الله پسرم ." دستش در هوا می لرزد . استوار سر و دست برای غلامی تکان می دهد .
غلامی بلند می گوید : " نیستش … گفتم که … بیرونه هنوز . "
پیرزن سر روی نرده ها می گذارد و آرام می گوید : " تو مثل بچه می، دلت می آ دروغم بگی؟ خودم می فهمم که هسش . از ماشینش که اینجاس می فهمم ، او بی ماشین هیچ جا نمی ره . "
استوار سیگارش را روی تنه ی بید له می کند و تکیه به درخت در پناه آن می نشیند .
صدای پیرزن در میان گرما و شرجی روی سر پاسگاه بال بال می زند .
" آغی رئیس خودش اومد پی بچه ام، گرفت فرستادش خودش هم باید بگه کجایه و کی می آ . تو خودت اگه یه سال نری خونه تون دیت ناگرونت نمی شه ؟ خب منم مثل او . "
سربازِ توی برجک تفنگ به کول پائین را نگاه می کند .
غلامی می گوید : " برو … برو دیگه دنبال زندگیت . مزاحم نشو . "
پیرزن : " زندگیم کجاست ؟ مو دیگه زندگی دارم ؟ زندگیم پسرم بود که نه معلومه کجایه … آغی رئیس فرستادش …. دیگه هیشکی ندارم . همه چیزم رفت… جیگر گوشه ام رفت . "
مویه می کند. صدایش بریده بریده خاموش می شود . سکوتی سنگین پاسگاه را می گیرد . استوار سرک می کشد . بقچه پشت نرده ها روی هرّه ی دیوار است و پیرزن پیدا نیست . تنها لکه ی سیاهی از روسری دخترک پیداست که پشت دیوار جا به جا می شود . استوار با اشاره غلامی را به داخل ساختمان می فرستد و بعد خودش پابرچین پابرچین بر می گردد . دگمه های فرنچش را باز می کند و لباس را مچاله گوشه ای پرت می کند. زیرپوشِ خیسِ عرق به تنش چسبیده . با نوک انگَشت زیرپوش را از تنش جدا می کند و توی یقه اش فوت می کند . خودش را می اندازد روی تخت و ساعد روی پیشانی می گذارد . مگسی دور سر و گوشش می پیچد و وز وز می کند . مگس درست دم سوراخ بینی اش می نشیند … استوار به تندی سر و دست تکان می دهد و بلند می شود . دمپائی برمی دارد و مگس که نشست ، محکم می کوبد . مگس به نرمی جاخالی می دهد . محکم تر می کوبد . مگس به طرف پنجره می رود . استوار روی تخت رو به دیوار می غلتد. شقیقه اش تیر می کشد . نفس نفس می زند .
وز وز مداوم سکوتِ پهناور ظهر . جهان خاموش و بیِ حال . لحظه های کند گذر تابستان وگرما و گرما و گرما.
غلامی چای عصر را می آورد . استوار هنوز نخوابیده . سردرد دارد . می نشیند و اشاره می کند که سرباز ، سینی را روی تخت بگذارد . دو استکان چای تلخاتلخ هورت می کشد . لباس می پوشد و بند پوتین ها را محکم می بندد برای گشت عصرانه توی روستا .
سایه ها پهن شده اند و زهر گرما را کمی گرفته اند . صدای عصر روستا می آید . روی راه آدم ها ، گله های بز و گوسفند ، گاوها ، و یکی دو ماشین و موتورسیکلت در میان گرد و غبار رفت و آمد می کنند . سربازِ راننده تویوتای لندکروز را از گاراژ بیرون می آورد. استوار آبی به سر و صورت می زند. با کف دست پشت گردنش را خیس می کند و تا رسیدن به ماشین چند بار دور و زیر گردنش دست می کشد .
همین که سربازِ دربان ، درِ بزرگ پاسگاه را باز می کند پیرزن و دخترَ هل می خورند داخل .
" سلام آغی رئیس ."
استوار یک پا روی رکاب خودش را بالا می کشد . پیرزن می گوید :
" خبری از پسرم گیرت نیومد ؟ "
استوار روی صندلی می نشیند و در را می گیرد . پیرزن خودش را میان در و ماشین می گذارد ، بقچه در یک دست ، با دستی دیگر آستین استوار را می گیرد .
" خودت فرستادیش … چطو حالا خبری ازش نداری ؟ … بگو کی می آ . "
استوار سر تکان می دهد و می گوید : "راه بیفت دیگه . "
پیرزن همراه ماشین می آید و می گوید :
" الان شونزده ماه و هفت روزه که هیچ خبری ازش ندارم … خودت فرستادیش… کجایه ؟ "
استوار در را می کشد . پیرزن مچاله می شود . بقچه را بالا می گیرد می گذارد روی داشبورد و می گوید : " احتیاط کن . خاگ آوردم صبح ها بخوری مال مرغای خودمه اقلا بگو کی بیام که خبر خوشی بهم بدی . "
"گاز بده تو هم دیگه !"
ماشین از جا کنده می شود . پیرزن چند قدمی آویزان به در ماشین می آید . استوار از توی آئینه می بیند پیرزن دست ها به هوا گرفته مثل مرغ جوجه گم کرده ای بال بال می زند و میِ آید . و کمی بعد پشت غبارها گم می شود .

خبرهای هنری

محدودیت برای هنرمندان بوشهری
بعد از ممنوع الاجرا شدن محسن شریفیان،

آکا صفوی هم ممنوع التصویر شد



بدنبال محدودیت های شدید در برابر فعالیت های صنفی مطبوعاتی در بوشهر، هنرمندان بوشهری نیز با محدودیتهایی روبرو شده اند. جلوگیری از اجرای برنامه موسیقی محلی توسط گروه مروارید لیان به سرپرستی محسن شریفیان در بوشهر و در حالی که این گروه نماینده فرهنگی ایران در بسیاری از کشورها بوده و از سوی وزارت ارشاد و دیگر دستگاههای فرهنگی برای اجرای برنامه به استانهای کشور و خارج از کشور دعوت می شوند، از جمله این محدودیتهاست که اداره ارشاد بوشهر مسئولیت آن را نمی پذیرد و آن را متوجه فشار مسئولان بوشهری می داند. به تازگی نیز خبری منتشر شد مبنی بر ممنوع التصویر و ممنوع الصدا شدن شدن آکا صفوی خواننده موفق بوشهری در صدا و سیمای بوشهر .
آکا صفوی در این باره به خبرنگار نسیم جنوب گفت: سال گذشته دی وی دی تصویری از کنسرت گروه لیان در جشنواره فجر انتشار یافت که با استقبال خوب همشهری های ارجمند و پاره ای هموطنان عزیز قرار گرفت. این کنسرت همراه بود با حرکات آیینی و دست جمعی که معرف آداب رسوم و سنن مردم منطقه بود که هیچ گونه ابتذال در آن دیده نمیشد. در آواز کار روی دریا (نیمه خوانی) بنده یک بازی محلی که در اصطلاح محلی در محله من بنام بازی «بمبک لرزونی» نامیده میشود، اجرا نمودم. این بمبک یا همون سفره ماهی چند ولت برق تولید می کند و هرگاه ما دچار برق گرفتگی از این سفره ماهی میشدیم جهت مزاح شروع به لرزاندن بدن خود میکردیم، ما بین این نیمه خوانی بنده بلند می شدم و این حرکت را انجام می دادم که به شدت مورد قبول حاضران در کنسرت قرار میگرفت.
وی افزود: بعد از این اجرا، بنده به خاطر این بازی و گروه لیان به خاطر انجام حرکات دست جمعی آیینی، ممنوع اجرا و ممنوع التصویر شدیم.
ممنوع الاجرا شدن گروه موسیقی محلی مروارید لیان به سرپرستی محسن شریفیان و ممنوع التصویر شدن آکا صفوی در حالی است که تا کنون هیچ نهاد رسمی و قانونی در این خصوص مسئولیت آن را بر عهده نگرفته و به نظر می رسد که اداره ارشاد بوشهر و صدا و سیمای بوشهر، تسلیم فشارهای شفاهی مخالفان موسیقی محلی بوشهر شده اند.

لغو کنسرت موسیقی بدنبال تجمع معترضین در بوشهر



به دنبال تجمع جمعی از اصولگرایان بوشهر مقابل مجتمع فرهنگی در اعتراض به برگزاری کنسرت موسیقی ، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی از اجرای این کنسرت گیتار که قرار بود روز جمعه در محل مجتمع فرهنگی برگزار شود ؛ جلوگیری کرد. به گزارش «بیست» مجوز این کنسرت توسط خود اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان صادر شده بوده است. به نظر می رسد این بیانیه که در چند سطر صادر شده است در راستای فشار بر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

"هوای بندگی " هر صبح قبل و بعد از اذان مومنین را به عبادت فرا می خواند

به گزارش روابط عمومی صداو سیمای مرکز بوشهر برنامه صبحگاهی "هوای بندگی" هر روز به مدت ۳۰ دقیقه از ۱۵ دقیقه قبل از اذان صبح به افق بوشهر در هر سحرگاهان شروع و تا دقایقی بعد از اذان ادامه پیدا می کند . در این برنامه هر روز به تناسب تقویم تاریخ موضوعی مذهبی- اخلاقی انتخاب و به آن پرداخته و در پایان برنامه جمع بندی و نتیجه گیری می شود . شایان ذکر است برنامه هوای بندگی به تهیه کنندگی و نویسندگی علیرضا محمدی و گویندگی احمد حاج حسینی هر روز سفره های دل مومنین را صیقل می دهد. این برنامه درگروه معارف اسلامی صدای مرکز بوشهر تهیه می شود.

اجتماعی
شماره ۶۶۳ - یک شنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱
NASIM JANOUB

فقر و نا به هنجاری های اجتماعی

اسماعیل چراغی

«پدر و مادری به خاطر فقر و نداری، فرزند شش ماهه ی خود را به قیمت اندکی فروختند»؛ در آلمان، فحشا به عنوان یک معضل اجتماعی وجود دارد، به طوری که اکثر زن های فاحشه ی آلمانی به علت فقر و گرسنگی به این کار روی می آورند. یک گزارش که در ژانویه ی ۲۰۰۴ در آلمان به چاپ رسید، حاکی است که از هر یک صد گدای آلمانی، پنج نفر را زنان و دخترانی تشکیل می دهند که در ازای دریافت کمک مالی، تن به خودفروشی می دهند»؛ «مردی در اثر فقر، خود را حلقه آویز کرد».

این گونه اخبار را همه ی ما کم و بیش بارها و بارها در روزنامه ها و رسانه های همگانی، شنیده ایم و خوانده ایم؛ اما آیا هیچ فکر کرده ایم که چرا انسان هایی که از عقل خداداد بهره مندند، به چنین اعمالی دست می زنند؟

فقر، یکی از گسترده ترین مشکلات جوامع انسانی است و عمری به درازای زندگی بشر دارد. از زمانی که بشر، پا به عرصه ی گیتی نهاده است، خویش را با این پدیده ی فراگیر، رو به رو دیده است. فقر در اشکال مختلف و به درجات متفاوت، در همه ی جوامع انسانی یافت می شود و در جوامع توسعه یافته، از دامنه ی گسترده تری برخوردار است. از سوی دیگر، وجود فقر (خصوصا اگر گستردگی زیادی نیز داشته باشد)، غالبا زمینه ساز بروز انحرافات اجتماعی و بستر مناسبی برای و قوع جرم و جنایت است.

در این نو شتار، سعی می کنیم نگاهی هر چند گذرا به پدیده فقر و ریشه های آن افکنده، ساز و کار بسترسازی این پدیده را برای آسیب های اجتماعی بررسی کنیم.

فقر چیست؟

اندیشمندان اجتماعی، در بر خورد با مقوله ی فقر، از دو مفهوم، سود جسته اند: مفهوم فقر مطلق (absolute poverty) نیز گفته می شود، عبارت است از: «محرومیت و ناتوانی اعضای جامعه در دستیابی به حداقل نیازهای اساسی مانند تغذیه، پوشاک و مسکن که برای یک زندگی سالم ضروری اند». این مفهوم از فقر، به عدم دسترسی افراد جامعه به حداقل لازم ضروریات زندگی اشاره دارد؛ چیزهایی که با فقدان آنها حیات و بقای انسان با خطر نیستی رو به رو ست.

در فقر نسبی، تاکید بر این نکته است که افراد و خانواده هایی فقیرند که درآمد آنها در طول زمان، به طور جدی، کمتر از در آمد افراد یا خانوارهای متوسطی باشد که در همان جامعه، زندگی می کنند. به طور کلی می توان گفت که مفهوم فقر مطلق، در بیشتر کشورهای توسعه نیافته مصداق پیدا می کند، در حالی که فقر نسبی، غالبا به کشورهای توسعه یافته و ثروتمند مربوط می شو؛ اما به هر حال، هر دو نوع فقر با نابرابری در توزیع درآمد در ارتباط هستند. (۱)

انواع فقر

اندیشمندان اجتماعی، فقر را از منظر دامنه و قلمرو، به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱. فقر مورد ی (case poverty): فقر موردی یا فردی، عبارت است از فقری که در برخی از جوامع، دامنگیر عده ی کمی از افراد می گردد. در حالی که سایر افراد جامعه با آن بیگانه اند. ریشه ی این نوع از فقر را می توان در خصوصیات شخصی و خانوادگی و نژادی این افراد جستجو کرد.

۲. فقر فراگیر(mass poverty)این نوع فقر، عکس مورد بالاست. فقر فراگیر، فقری است که همگی افراد یک جامعه – جز عده ی اندکی – با آن، دست به گریبان اند، و این بدان معناست که منابع و توانمندی های جامعه، به میزانی نیست که پاسخگوی همه ی اعضای جامعه باشد. (۲)

چرا فقر وجود دارد؟

در این نوشتار، قصد نداریم که از ماهیت و ریشه های فقر به تفصیل سخن برانیم؛ اما نگاهی گذرا به نظریه های ارائه شده در باره ی وجود فقر، در بحث از ارتباط فقر و ناهنجاری های اجتماعی راهگشاست. به راستی چرا فقر وجود دارد؟ این میدان، جولانگاه افکار و عقایدی است که بر خی کاملا سست و بی پایه، و برخی دیگر، محکم و متقن و دارای پشتوانه نظری قوی هستند.

۱.عده ای بر این عقیده اند که فقر، وقتی وجود دارد که یک جامعه از نظر طبیعی فقیر است. از نگاه اینان وقتی منابع طبیعی یک کشور از غنای کافی برخوردار نباشد، مایه ی فقر اجتماعی اعضا می شود. مثلا خاک یک کشور ممکن است خشک، سنگی یا شوره زار باشد و یا این که اصلا وسعت زمین های قابل کشت آن اندک باشد. فقر طبیعی، بستر ساز فقر اجتماعی است. اما با دیدن کشورهایی چون ژاپن، هلند، سوییس، سنگاپور و . . . این استدلال فرو می ریزد؛ زیرا کشوری چون ژاپن از مجموعه ای از جزایر کوهستانی تشکیل شده است که خاک مناسب آن، اندک و معادنش کم است و نفت نیز ندارد؛ اما فقیر هم نیست.

۲. برخی دیگر معتقدند ریشه ی فقر را باید در نظام اقتصادی جستجو کرد. آنها می گویند مردم به این دلیل فقیرند که هنوز اقتصادآزاد، رقابت و بازار آزاد را تجربه نکرده اند. از نگاه اینان، نظام اقتصاد سرمایه داری، ریشه ی فقر را بر می کند و ثروت و رفاه را برای آنان به ارمغان می آورد. در نظام سرمایه داری، انحصار، جای خویش را به رقابت می دهد و دیگر در آمدهای ناشی از تولید جامعه، توسط عده ی کمی چپاول نمی شود و بدین گونه، فقر از جامعه رخت برمی بندد. اما با نگاهی به کشورهای اروپای شرقی – که نظام اقتصادی آنان سرمایه داری نبوده است – این نظریه نیز رنگ می بازد؛ زیرا این کشورها از نظر توسعه ی اقتصادی با کشورهای سرمایه درا، فاصله ی چندانی ندارند و در عین حال، فقر در آنها زیاد به



چشم می خورد که طبعا ریشه های فقر آنها را باید در جای دیگر یافت.

۳. گروه های دیگر از صاحب نظران نیز هر کدام چیزهایی چون کمبود سرمایه، استعدادهای انسانی، طول و عرض جغرا فیایی، تمایلات بومی و باطنی و. . . را ریشه ی فقر دانسته اند که امروزه دیگر بطلان بعضی از آنها روشن شده است و درباره ی برخی دیگر نیز باید گفت که چنین عواملی، با همه سهمی که می توانند در تشدید فقر داشته باشند، عامل ریشه ای فقر نیستند. برخی نیز از نظر اقتصادی، علت مهم فقر را دو عامل معرفی می کند: کمبود و مالکیت. بدین معنا که در بسیاری از جوامع، همه چیز به قدر و وفور و جود ندارد و تقاضا بیش از عرضه است. در نتیجه، هر چه که برای زندگی، ضروری است، ارزش اقتصادی پیدا می کند. از طرف دیگر، به محض ارزشمند شدن یک چیز، عده ی کمی آن را تصاحب می کنند و عده ی دیگر از آن محروم می شوند. به دنبال این اتفاق، کسانی که امکان دستیابی به آن کالاهای کمیاب را نداشته اند، نسبت به آن، احساس فقر می کنند. در جوامعی که فاصله ی طبقاتی از عمق بیشتری برخوردار است و امکانات پیشرفت در زندگی، بین افراد جامعه، عادلانه توزیع نمی شود، فقر، نمود بیشتری می یابد. (۳)

انحراف اجتماعی

جامعه شناسان، هرگونه رفتاری را که با چشم داشت های جامعه یا گروه معینی در داخل جامعه، تطابق نداشته باشد، انحراف (نا به هنجاری) می نامند. در واقع، انحراف، به دوری جستن از هنجارها اطلاق می شود و زمانی رخ می دهد که یک فرد یا گروه، معیارهای جامعه را رعایت نکند. رفتار و کنش های انحراف آمیز را هنجارها ی اجتماعی حاکم بر فرهنگ، مشخص می سازند.(۴)وقتی که یک شخص، دست به سرقت اموال دیگران می زند و یا از مواد مخدر و مست کننده استفاده می کند و یا خودفروشی می کند، همه ی اینها به هر دلیلی – حتی فقر – اتفاق بیفتند، در واقع یک انحراف اجتماعی را شکل می دهند.

فقر و انحرافات اجتماعی

آیا فقر با انحرافات اجتماعی، رابطه مستقیم و تخلف ناپذیر دارد؟ آیا هر کس که عنوان فقیر بر او صدق کند، لزوما منحرف (نا به هنجار) است؟ بی شک، پاسخ این دو پرسش، منفی است. چه بسیارند فقرایی که بر فقر خود، صبر می کنند و دست و دامان خویش را به انحراف، آلوده نمی کنند. از سوی دیگر، بسیارند ثروتمندانی که به داشته ی خویش اکتفا نمی کنند و برای رسیدن به مال و مکنت افزون، به هر انحرافی دست می زنند. پس بین فقر و انحراف رابطه ی مستقیم و تخلف ناپذیری وجود ندارد؛ همان گونه که بین غنا و همنوایی با ارزش های جامعه نیز ارتباطی از این نوع، وجود ندارد. پس ادعای ما چیست؟ هدف ما پرداختن به این بحث چه بوده است؟

آن گونه که اندیشمندان اجتماعی بیان کرده اند، فقر می تواند زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد. در بستر فقر، شرایط مناسب بروز انحرافات اجتماعی فراهم است. آن گونه که ایستادن بر پرتگاه، زمینه ی سقوط به دره را فراهم میکند، نداری و ناتوانی، شرط لازم افتادن در دره ی انحرافات اجتماعی است. فقر، بستر مناسب گذر از معیارهای اجتماعی را برای افراد، مهیاتر می کند. حال سؤال مهم این است که سازوکار این ارتباط چیست؟ چگونه فقر، نقش زمینه سازی برای انحرافات اجتماعی را ایفا می کند؟

در این عرصه، هر کسی نظریه ای بیان کرده است. برخی الگوی رفتاری خاص طبقه فقیر را سبب ساز انحراف دانسته اند. از دید این گروه – که «چشم انداز فرهنگی» نامیده شده است – طبقه پایین، الگوی رفتاری و ارزشی خاصی را از خود بروز می دهد که خصلتا با جامعه و فرهنگ غالب، متفاوت است. شخص فقیر به این دلیل دست به انحراف می زند که الگوی رفتاری ای که نسل به نسل به او منتقل شده است، او را این چنین بارآورده است. از این رو، این دیدگاه، پیشنهاد می کند که برای زدودن فقر و انحراف، باید نگرش فقر را تغییر داد. این دیدگاه، دیدگاهی تک بعدی است که فقط به تغییر نگرش ها توجه دارد؛ اما نقش توزیع نا عادلانه ی فرصت ها را نادیده می گیرد. چگونه می توان ارزش ها را با یکدیگر مقایسه کرد، در حالی که مو قعیت طبقه ی پایین (فقرا) با دیگران برابر نیست؟(۵)

درباره ی میزان جرم و انحرافات فقرا، یکی از بهترین تحلیل ها، تحلیل مورتون است. وی جرایم طبقات پایین را به ساخت اجتماعی ای که فرصت ها را محدود می سازد، نسبت می دهد. مورتون درباره ارتباط فقر و انحراف می گوید: «فقر و کمبود فرصت ها الزاما سبب ساز جرم و جنایت نمی شود». به تعبیر وی، فقر، یک متغیر منفعل منزوی نیست؛ بلکه اگر شرایطی پیش آید که در آن، اهداف فرهنگی توسط اقشار یک جامعه «درونی» شوند و ساختار اجتماعی آن را هدف نهایی برای اعضا معرفی کند و همین ساختار اجتماعی، منابع را نابرابر توزیع کند، زمینه بروز انحرافات اجتماعی فراهم می شود.

در این چار چوب، هر چه فرد در نظام قشربندی، موقعیت پایین تری را اشغال کرده باشد، با محدودیت های بیشتری در راه رسیدن به اهداف مقبول اجتماعی، روبه رو خواهد شد. این ستیز، بین اهداف و ابزار، سرانجام به نابه سامانی و نابه هنجاری و انحراف، منجر خواهد شد. (۶)

از نگاه مورتون، بی هنجاری (آنومی)، هنگامی رخ می دهد که افراد، نباشند با وسایلی که جامعه معین کرده است، به اهداف مربوط دست یابند. عکس العمل طبیعی این وضعیت، روی آوردن به کجروی و انحراف است. مثلا در جامعه ی امریکا، مو فقیت مالی و دستیابی به ثروت، یک ارزش اجتماعی است. کسانی که در این جامعه، موفقیت مالی نداشته باشند، ازنظر اجتماعی نیز توفیقی حاصل نمی کنند.

معیار موفقیت در اجتماع، مو فقیت در دستیازی به ثروت است (اهداف مقبول اجتماعی). از سوی دیگر، در جامعه ی امریکا، راه مشروع قانونی رسیدن به این هدف را کار و کوشش زیاد، تحصیلات وکسب علم، حسن تدبیر و. . . مشخص کرده است. اما به دلایل زیادی چون: سوابق خانوادگی و نژادی و توزیع نابرابر فرصت ها و منا بع، برخی از مردم، قادر نخواهند بود که از طریق وسایل مقبول و مشروع اجتماعی، به اهدف خود برسند. مثلا فقرا غالبا به نوع تحصیلاتی که لازمه ی رسیدن به مو فقیت ها ی اجتماعی است، دسترسی ندارند. به دنبال این محرومیت و محدودیت است که انحرافات اجتماعی از سوی برخی فقرا، آغاز می شود.

زیبایی استدلال مورتون در این است که منشا انحراف را در درون فرهنگ و ساختار اجتماعی می بیند، نه در شکست های انسان منحرف. از دید او این جامعه است که از طریق شکاف و نارسایی بین «اهداف مقبول»خود و«روش های معین شده»، فشار زیادی بر فقیر، وارد می سازد و زمینه ی انحراف از قوانین اجتماعی را برای او مهیا می سازد.(۷)

انسان، نیازهایی دارد که برای بقا و حیاتش ضروری اند. اگر بتواند آن نیاز را از طریق همنوایی با قوانین اجتماعی برآورده سازد، احتمال کجروی و انحراف او بسیار اندک است؛ اما اگر احساس کند برآورده شدن خواسته اش جز از طریق کجروی حاصل نخواهد شد، خود را ناگزیر از انحراف خواهد دید. از این رو، اندیشمندان اجتماعی، متذکر شده اندکه ما باید کوشش هایمان را در راه اصلاح روش ها نادرست و غیرعادلانه ی درآمدها و غلبه برنوسانات اقتصادی، متمرکز سازیم. نه فقط بدین جهت که توزیع، نادرست است؛ بلکه به این علت که این نحوه ی توزیع، منشا فساد، بزهکاری و انحرافات اجتماعی درتمام دنیاست.

از دید این اندیشمندان، جرم و فساد اخلاقی، نتیجه ی فقر است که زاییده ی امپریالیسم (یعنی: توسعه طلبی ناشی از سرمایه داری) است؛ یعنی نظامی که در آن، «تملک وسائل تولید توسط گروهی خاص» و «توزیع نادرست ثروت» از ویژگی های آن است. (۸)

در روایات اسلامی نیز از فقر مادی به گونه ای یاد شده است که می توان از آنها زمینه ساز بودن فقر برای انحرافات اجتماعی را فهمید، مانند این حدیث پیامبر (ص) که فرمود: «نزدیک است که فقر به کفر منجر شود». پیامبر (ص)همچنین فرمود: «خدایا ! از کفر و فقر، به تو پناه می برم». شخصی سؤال کرد: آیا این دو در ردیف هم اند؟ فرمود: «بلی» (۹). علی (ع)نیز از فقر به عنوان «مرگ بزرگ تر» یاد کرده است.(۱۰) و نیز خطاب به فرزندش می فرماید: «فرزندم ! هرکس به فقر مبتلا شود، به چهار چیز دیگر نیز مبتلا می شود، به چهار چیز دیگر مبتلا می شود: ضعف در یقین و کاستی عقل و نازکی دین و کم حیایی در صورت. پس، از فقر به خدا پناه می بریم !» و درکلامی دیگر، فقر را «مایه ی نقصان در دین و حیران کننده عقل»دانسته است. (۱۱)

از مجموع این روایات و روایات مشابه، استفاده می شود که فقر، جاده ای است که می تواند رونده ی خویش را به دامان کفر، رهنمون شود و زمینه ی مناسبی برای غوطه ور شدن در چیزهایی است که دین و دنیای انسان ها را به خرابی می کشاند. از این رو، پیشوایان معصوم ما، از گرفتار شدن به فقر، به خدا پناه می بردند.

منابع: ۱. مجموعه مقالات گرد هم آیی بررسی فقر و فقرزدایی، ج ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص۲۷۵.
۲. ماهیت فقر عمومی، جان کنت گالبرایت، ترجمه: محمد حسین عادلی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۹، ص ۲۱.
۳. همان، ص ۲۳– ۳۴.
۴. درآمدی بر جامعه شناسی، بروس کو ئن، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، ۱۳۷۵، ص۱۶۰.
۵. چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه، عماد افروغ، تهران: موسسه فرهنگ و دانش، ۱۳۷۹، ص۶۹.
۶. همان، ص۷۳.
۷. آسیب شناسی اجتماعی، رحمت الله صدیق سروستانی جزوه درسی، ص۹۵.
۸. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی فقر و فقرزدایی، ص ۳۷۳.
۹. الکافی، ج ۲، ص۳۰۷.
۱۰. کنزالعمال، ح ۱۶۶۸۷.
۱۱. جامع الخبار، ص۳۰۰.
۱۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

پراشتهایی روانی

(bulimia nervosa)

رها هوشیار – کارشناسی ارشد روانشناسی

پراشتهایی روانی در بین مردم به شکل گسترده ای بیشتر از بی اشتهایی روانی دیده شده است . این بیماران اغلب پدر و مادر خود را به علت بی توجه گی های مکرر ، سهل انگار ، بی توجه و طرد کننده توصیف می کنند.

اینگونه افراد انسان های بلند پروازی هستند که در برخورد با ناکامی ها با لاغر شدن ، واکنش نشان می دهند . این افراد از پرخوری های مکرر خود متنفرند ، آن ها احساس می کنند در هنگام پرخوری کنترل خود را از دست داده ، بنابر این برای جبران این شکست در خویشتن داری خویش ، دست به استفراغ عمدی زده، روزه می گیرند ، دست به ورزش کردن افراطی می زنند و یا سوء مصرف ملین ها را آغاز می کنند. افرادی که به طور مکرر دست به استفراغ عمدی می زنند در معرض خطر پارگی معده و مری قرار دارند . گرچه این عوارض بسیار نادر است . این بیماران همچنین می توانند در معرض ناهنجاری های قلبی قرار گیرند .

افرادی که کمتر قادرند گرسنگی را تحمل کنند و در بی اشتهایی روا نی شکست می خورند اغلب به پر اشتهایی روانی روی می آورند ، هردوی این بیماران در میل شدید به لاغر شدن مشترک اند .

این افراد در مراحل اولیه غذاهای کم کالری خورده اما به مرور زمان این محدود کردن خود از خوردن ، از بین می رود و این افراد دست به خوردن غذاهای محدود شده در رژیم غذایی خود می زنند . این غذاها معمولاً غذاهای سبک و دسرهایی مانند چیپس ، سیب زمینی ، پیتزا ، کیک ، بستنی و شکلات را شامل می شود . در این دوره های پرخوری بیماران از مواد شیرین پرکالری و نرم مثل کیک یا کلوچه نیز استفاده می کنند. برخی از این بیماران بدون توجه به طعم غذا به غذاهای پر حجم علاقه دارند. این بیماران غذا ها را به طور پنهانی و به سرعت و حتی نجویده می خورند .

طبق DMS – IV (راهنمای تشخیصی و آماری اختلال های روانی انجمن روانپزشکی آمریکا) فرد مبتلا به پراشتهایی روانی دارای علائم زیر می باشد

۱) دوره های پرخوری به طور نسبتا فراوان اتفاق می افتد (دوبار در هفته یا بیشتر ، حداقل به مدت سه ماه) .

۲) رفتارهای جبرانی پس از پرخوری برای پیشگیری از افزایش وزن روی می دهد . در درجه اول استفراغ عمدی ، سؤ مصرف مسهل ها ، سؤ مصرف استفراغ آورها ، ورزش افراطی ، برخی بیماران حتی داروهای تیروئید مصرف می کنند تا میزان سوخت و ساز در بدن خود را افزایش دهند .

۳) بر خلاف بیماران مبتلا به بی اشتهایی روانی در اینگونه افراد کاهش وزن شدید دیده نمی شود و بیماران وزن طبیعی خود را حفظ می کنند .

۴) بیمار ترس بیمار گونه از چاق شدن ، انگیزه پایان ناپذیر برای لاغری ، یا هردو را باهم دارد و میزان نا متناسبی از ارزیابی فرد بیمار تابع وزن و شکل بدن است .

این گونه افراد در کنترل خود نسبت به محیط دچار مشکل اند و غالباً وابستگی به " مواد " و " روابط جنسی خود ویرانگر" نیز در آن ها مشاهده می شود .

پرخوری عصبی برای خیلی از بیماران ، اختلالی پرهزینه محسوب می شود . در این راستا صورت حساب های زیاد



غذا می توانند مشکلات مالی برای آن ها ایجادکنند و گاهی بیماران به دزدیدن غذا نیز متوسل می شوند .

پراشتهایی روانی با میزان بالاتری از بهبود نسبی و کامل در مقایسه با بی اشتهایی روانی دیده شده است .

آنچه لازم است خوانندگان عزیز توجه ی خاص به آن داشته باشند عدم تعمیم موارد مذکور به خود و دیگران با دیدن یکی از این علائم است . پیچیدگی و ویژه گی خاص این علائم در توان تشخیص متخصص و مشاور بوده و به سادگی قابل انطباق با کسی نیست و ارائه مطالب فوق الذکر صرفاً جهت کسب اطلاعات عمومی است .

بیانیه معترضین به برگزاری کنسرت موسیقی در بوشهر

در پی اعتراض به مجوز دادن مسئولین جهت اجرای کنسرت های پاپ, گیتار و ... پنجشنبه هفته گذشته جمعی از معترضین، در مقابل مجتمع فرهنگی تجمع کرده و خواستار لغو کنسرت گیتار شدند که اداره ارشاد بوشهر نیز اقدام به تعطیلی این کنسرت نمود. تجمع کنندگان با صدور بیانیه ای خواستار جلوگیری از برگزاری این گونه مراسم در بوشهر شدند. در قسمتی از این بیانیه آمده است: پس از گذشت حدود سی سال از انقلاب اسلامی و آرمان های مقدس آن که از آنها پایه ریزی تمدن و فرهنگ اصیل اسلامی و اتصال حکومت به حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) است، اکنون باید از خود بپرسیم که تا چه حد به این آرمان ها نزدیک شده ایم ؟؟

در پاسخ باید گفت، که جای بسی حسرت است، برای ما و برخی از مسئولین که ادعای فرهنگ و ارشاد دارند، که بنابر فرمایشات امام خامنه ایی (مدظله العالی)، رهبر انقلاب و سکان دار نظام اسلامی، پس از گذشت سالهای متمادی از بهار انقلاب، هنوز به فرهنگ اصیل اسلامی نرسیده ایم . و این حسرت زمانی فزونی می یابد که مردم ولایتمدار بوشهر باید مرتباً شاهد کم کاری های مسئولین ذیربط در حوزه فرهنگ اسلامی باشند، در حالی که بارها ایشان را مورد تذکر قرار داده اند . جواز برگزاری « کنسرت راک » سال ۹۰ یکی از آن کوتاهی های برخی مسئولین بود که با تذکر و تجمع مردم ولایتمدار بوشهر، به تعطیلی انجامید ." در ادامه این بیانیه ، برگزاری کنسرت به عنوان «حرکت قبیح گروهی را که گفتار و سخنان باطل را به هر وسیله ای تهیه می کنند تا خلق را به جهالت، از راه خدار گمراه سازند» محکوم شده و آمده است:" از مسئولین ذیربط می خواهیم که سریعاً نسبت به ابطال مجوز برگزاری اینگونه مراسمات که دل امت شهیدپرور و ولایتمدار استان بوشهر را جریحه دار می کند، اقدام عاجلانه نمایند.لازم به ذکر است در صورت تعلل مسئولین مذکور نسبت به این امر، با پاسخ دندان شکن امت حزب الله و ولایتمدار بوشهر مواجهه خواهند شد . مسامحه کاران باید بدانند، زین پس ما، مانع هر گونه حرکتی که خلاف آرمان های مقدس انقلاب باشد، هستیم و در ازبین بردن این موانع بر سر اصول انقلابی خود محکم ایستاده و از کمترین فشار علیه این موانع، دریغ نمی کنیم. "

موسیقی بوشهر طنین‌اندازِ شادی و غم



دربوشهر– شهر آفتاب درخشان – مادر با خواندن «لالایی» خواب را به چشمان فرزندش می کشاند . نغمه های نرم او چون جویباری در درون کودک راه می جوید . پدر با نجوای «نی مه میداف» و «نی مه گرگور» خستگی صید را از تن می زداید.

کودک ، همراه با آواز پر طنین خلیج فارس ، بالنده می شود و بال می گیرد . (بیت خوانی زنان – کل – یزله و شپ ، حنابندان را آذین می بندد). نی انبان و نی جفتی در گوش شب ، سرودی رقص انگیز می خواند. شیهه ی غمگنانه ی بوق ، زاری زنگ دار سنج و کوبندگی دمام خبر از عزاداری می دهد .

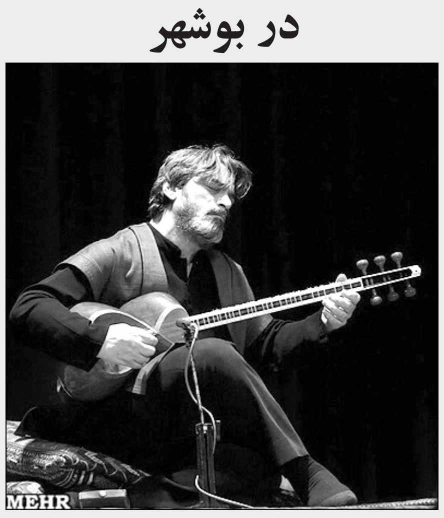
همسرایی زنان و مرثیه های جانگداز آنان در "عزای سرپایی" برای عزیز از دست رفته شان و در پایان، همخوانی مردان در سرودن "ذکر تشییع"، نشانگر حرکت مرده ای بر دوش مردم، بسوی گورستان ، جهت باز پس دادن آن به خاک می باشد.

موسیقی بوشهر نیز همچون موسیقی ملل مختلف، از تولد تا مرگ، از بزم تا رزم و از سور تا سوگ همواره در اغلب شئون فرهنگی و اجتماعی مردم دریا دل این خطه حضور دارد.

موسیقی بوشهر طنین‌اندازِ کار و کوشش، رنج و مشقت، دوری و درد، شادی و غم، شیرزنی و دلیرمردی، شکست‌ها و ناکامی‌ها و بیانگر مشخصه‌های خاص جغرافیایی و اقلیمی این دیار است.

(برگرفته از کتاب "اهل ماتم" اثر :محسن شریفیان)

بوی دُردانه های موسیقی در بوشهر



حسن محمدی : روی صحنه که آمد جلوی دوستداران موسیقی که قرار گرفت بوی چندین دردانه به مشام رسید. بوی زنده یاد استاد پرویز مشکاتیان ، بوی استاد محمد رضا شجریان، بوی استاد کیهان کلهر ، بوی استاد مجید درخشانی و... حال و هوای عجیبی بود همه کف می زدند. قامتی تراشیده ، وجودی سرشار از عشق به موسیقی، موهای زیبای جو گندمی فرق انداخته.

نشست، سه تار را به دست گرفت چشم ها را روی هم گذاشت حس عجیبی سرتاسر وجودش را فراگرفت به قول خودش که می گوید وقتی روی صحنه قرار می گیریم حس می کنم امن ترین جای دنیا قرار دارم، واقعا هم همینطور به نظر می رسید و چنان زخمه می زد که گویی در صدای سه تار محو شده بود و دیگر کسی را نمی دید.

در دستگاه نوا، در گوشه ابوعطاو قرایی نوا نواخت. صدای ضرب پژمان حدادی که با صدای سازش ادغام شد چنان کششی ایجاد کرد که بی اختیار دوستداران موسیقی سر خود را چون سماع صوفیانه تکان می دادند. او با تار نیز نواخت و چه زیبا آهنگ قاصدک را اجرا کرد.

آری او کسی نبود جز هزار افسانه ای ساز، استاد حسین علیزاده. غروب جمعه در بوشهر و تالار شهید آوینی میزبان این استاد بزرگ بود.

پیشنهاد

جای خالی سوگندنامه در مشاغل ما و شغل معلمی

محمدفایق مجیدی



بقراط علاوه بر این که مبانی خرافی را از علم طب زدود و ماندگارترین کارش سوگندنامه بقراط است که اکنون به صورت بین‌المللی در همه کشورها پزشکان بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه به آن سوگند یاد می‌کنند و متعهد می‌شوند. ای کاش ما الگوبرداری می‌کردیم و برای همه‌ی شغل‌ها سوگندنامه‌ای مانند سوگندنامه بقراط داشتیم؛ یعنی علاوه بر پزشکان، مهندسان، معلمان، فیلم‌سازان، کارمندان و کارگران و... سوگندنامه داشتند. کاش همه‌ی معلمان بعد از فارغ التحصیلی این‌گونه سوگند می‌خوردند:

«هم‌اکنون که حرفه معلمی را برای خود اختیار می‌کنم، با خود عهد می‌بندم که زندگی‌ام را وقف خدمت به شاگردانم و بشریت بکنم. احترام و تشکرهای قلبی خود را به عنوان دین اخلاقی و معنوی به پیشگاه همه‌ی معلمانم تقدیم می‌دارم. سوگند یاد می‌کنم وظیفه خود را با وجدان و شرافت انجام دهم. اولین وظیفه من توجه به سلامت جسمی و روحی شاگردانم است. دین، ملیت، نژاد، عقاید سیاسی و موقعیت اجتماعی هیچ‌گونه تاثیری در وظایف من نخواهد داشت. من موظفم به داد شاگردانم برسم؛ اگر خوابیده‌اند بیدارشان کنم، اگر در تاریکی گم شده‌اند راهنمایشان باشم، اگر بی‌باورند ایمانشان ببخشم، اگر بی‌اصالت‌اند شرافتشان ببخشم، اگر غمگین‌اند شادمانشان کنم، اگر ناتوانند شعله یاری را بیفروزم، اگر لبریز از نفرت‌اند عشقشان ببخشم. با خود عهد می‌بندم و سوگند یاد می‌کنم که از تربیت خود غافل نباشم و تربیت خود را مقدم بر تربیت شاگردان، کودکان و فرزندانم بدانم و تربیت آن‌ها را به زمان و مکان خاص نکنم. پس از پایان این سوگندنامه تا لحظه‌ای که جان در بدن دارم معلم بمانم و فقط معلم کتاب نباشم، بلکه معلم شاگرد باشم. وظیفه من این است بدانم و باور داشته باشم که:

– کودک متاع نیست که به والدین متعلق باشند؛ آن‌ها در هر سنی عضوی از جامعه‌اند و آن‌ها به جهان تعلق دارند، پس هیچ‌کس حق ندارد به آن‌ها آسیب جسمی و روحی وارد کند.
– کودک کوچک شده بزرگسال نیست؛ بلکه شخصیتی است منحصر به فرد.
– کودک مالک آینده زمین و آفریننده‌ی خود است.
– کودک در بیان افکار و احساساتش صراحت و صداقت دارد.

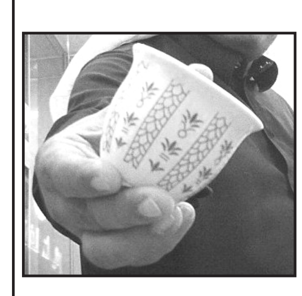
من در هر حال به زندگی کودکان کمال احترام را مبذول خواهم داشت و عهد می‌بندم به آن‌چه که گفته‌ام عمل کنم.»

این متن را با الهام از سوگندنامه‌ی بین‌المللی بقراط و برای معلمان نوشتم؛ اگر شما معلم هستی، چه متنی را پیشنهاد می‌کنید؟ آیا به نظر شما جای سوگندنامه در مشاغل ما خالی نیست؟ آیا بهتر نیست ما الگوبرداری کنیم؟

فرهنگ نامه

آداب صرف قهوه در منطقه عسلویه

علی هلالی



وجب به وجب منطقه عسلویه آداب و سنن زیبای هست که مردم اصیل و بومی عسلویه تا امروز در آن زندگی می کنند و همیشه سعی نمودند این فرهنگ وآداب را به نسل های بعدیشان منتقل کنند ودر این امر موفق شدند که تا امروز توانستند از این فرهنگ محافظت کنند . یکی از این زیبایی ها، صرف قهوه در منطقه است که اصول و زیبایی خاصی دارد. تمام مردم منطقه عسلویه در تمامی مناسبت ها ، میهمانی ها ، اعیاد و.... از قهوه عربی تلخ همراه هل (نوعی از ادویه) گاهی همراه زعفران به استقبال میهمانان عزیز خود می روند.

قهوه در عسلویه حرمت خاصی دارد و احترام خاص. منظور هرچه مناسبت بزرگ تر باشد به همان اندازه جلال قهوه و آداب قهوه هم بیشتر است.

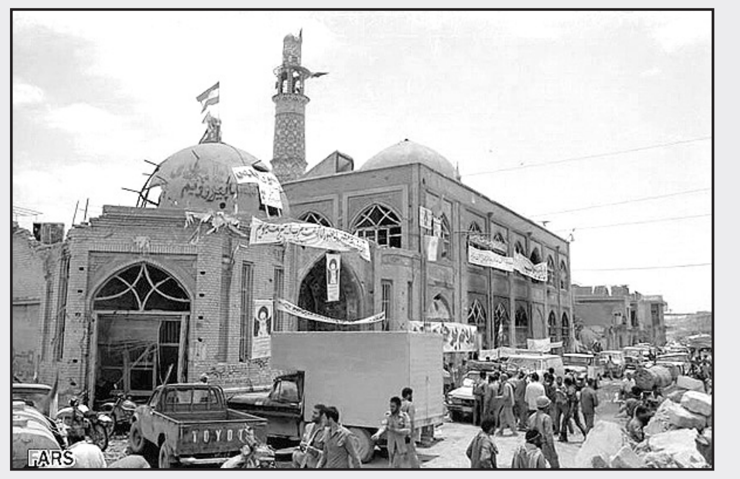
مردم عسلویه به فلکس قهوه «دله» می گویند. همیشه قهوه بعد از شیرینی که معمولا در عسلویه با خرما یا انواع شیرینی های محلی پذیرایی می شود.

کسی که قهوه می ریزد به آن «صباب القهوه)» می گویند. برای مردان باید مرد باشد و برای زنان باید زن باشد. این یکی از حرمت های قهوه ریختن است ، شخصی که قهوه می ریزد باید پا ایستاده در مقابل میهمان بایستد و فنجان به شکل خاصی پذیرایی کند. ریختن قهوه در منطقه عسلویه در فنجان خاص قهوه به اندازه یک اینچ در فنجان ریخته می شود و تا زمانی که میهمان قهوه را صرف می کند میزبان پا ایستاده فلکس قهوه با دو یا چند فنجان قهوه در دست می گیرد.

اگر میهمان از صرف یک فنجان اکتفا می کند با اندکی تکان دادن فنجان قهوه به نشان اکتفا بودن به میزبان می دهد. اما اگر میهمان خواسته ی از میزبان دارد می تواند قبل از صرف قهوه فنجان روی زمین بگذارد و خواسته ی خودش را به میزبان بگوید.

پرواز پرنده ستودنی است

بمناسبت سوم خرداد سالروز آزاد سازی خرمشهر



زیبا اسماعیلی : چه روز باشکوهی است سوم خرداد، روزها و شب‌های منتهی به آن، سراسر خاطره و نیایش است و چه باشکوه که نخل‌ها همچنان ایستاده‌اند. نخل‌ها هنوز ایستاده‌اند تا مقاومت را به رخ تاریخ بکشند، کارون همچنان جریان دارد تا رفتن و پیوستن را متجلی سازد.

نخل‌ها هنوز ایستاده‌اند تا ما بدانیم مردان و زنان این سرزمین چگونه از خود عبور کردند...

نخل‌ها بیدارند و از راز و رمز شب، سنگر و سکوت و ستاره می‌گویند، نخل‌ها ایستاده‌اند. خدایا چه می‌شود اگر خورشید بر سرزمین طلایی "خرمشهر" فرود آید و بر دستان زنان و مردانش بوسه زند، سزاوارست اگر ماه بر پیشانی این سرزمین سجده کند.

خدایا سزاوارست اگر ستاره‌ها یکی یکی بر زمین آیند تا در برابر عظمت فرزندان این خاک کرنش کنند.

خدایا! کجایند آن مردان به ادعایی که از نور هدیه می‌چیدند.

کجاست فریاد الله اکبر مردان خدایی که قلب دشمن را می‌شکافتند.

خدایا! صدای گلوله رانشنیده‌ام، صدای زوزه خمپاره رانشنیده‌ام. صدای سوت نارنجک را نشنیده‌ام، رد گل آلود پای دشمن را ندیده‌ام اما به یاد دارم غارت خانه و کاشانه مردم را ... چگونه می‌توان از ناجوانمردی سیم‌های خاردار و میدان مین نگفت.

چگونه می‌توان کتاب تاریخ را بست و نگفت که دشمن چگونه به خود اجازه داد شهری را ویران، مادری را منتظر و فرزندی را از خانه‌اش بیرون کند.

چگونه می‌توان آرام نشست و بر سوگ "لاله‌های سرخ" با باران همراه نشد.

خدایا! این قطار قدیمی در بستر موازی کدام تکرار خواهد ایستاد ... نکند توقف و ماندن ما بهانه‌ای برای سوار شدن بر قطار تکرارها شود و ما غافل از شهدا فقط تصویر آنها را قاب و طرح جاده‌ها ببینیم. چقدر فاصله افتاده بین ما و خرمشهر...

اما نه! انگار همین دیروز بود که نخل‌ها هم، آهنگ رفتن داشتند و لحظه‌های پر از دوست داشتن در تمام زمان جاری بود و همه در جستجوی شهادت!

رفاقت بود و رفاقت و رقابت معنا نداشت...

خدایا! چگونه می‌توان این همه عظمت را فراموش کرد که تاریخ در برابر آن سر تعظیم فرود آورده است.

نمی‌توانم از سربازی نگویم که زمان را با سرعت نگاهش می‌کاوید، آخر صدای کودکی از زیر آوار به گوش می‌رسید و آنسوتر ... خمپاره بود و آتش!

سرباز نیز در کمین لحظه‌ای برای نجات! زمان را جستجو می‌کرد و لحظه‌ای از کودک چشم بر نمی‌داشت ... مگر باران وقت باریدنش بود!

خدایا! حال چگونه می‌توان از جلال و شکوه شب‌های "مسجدجامع" نگفت و دم نیاورد. چگونه می‌توان در برابر بزرگی مردان و زنان این سرزمین سکوت کرد و هیچ نگفت! مگر می‌شود؟ چگونه می‌توان در قطار قدیمی تکرار در خطوط موازی ماندن و رفتن، در جا زد و در برابر مردمی که به زیبایی ایستادند، ساکت ماند!

اکنون صدای نیایش‌های محمد، بهنام ، سجاد و.. است که در کوچه‌های خرمشهر جاری و ساری است.

خدایا! چگونه می‌توان از بال کبوتران که التماس رفتن داشتند، نگفت و پروازشان را نستود. به یقین هیچ کس نمی‌تواند از این عبور کند که در هیچ سنگری نشانی از "ورود ممنوع" نبود و خط سادگی خط همه عاشقان این سرزمین بود...

نمی‌توان از این گذشت که نوجوانی به مادرش التماس می‌کرد "خرمشهر" تنهاست، باید بروم، رفت اما ماند و جاودانه شد...

چگونه می‌توان از "بهنام محمدی" نوجوانی که با تمام وجودش با تمام ایمان و اعتقادش از سرزمین و آرمان‌هایش دفاع کرد بی‌آنکه ادعایی کند ... نگفت. باید او را ستود که پرواز پرنده ستودنی است.

او "آزادی" را نثار دست‌های ناتوان پیرمردی کرد که در پشت نگاه سراپا مهربانی‌اش تنها دارایی‌اش را هدیه داد.

او "شجاعت" را نثار مادری کرد که تنها امید زندگی‌اش را تقدیم کرد.

آری! چگونه می‌توان سکوت کرد و نگفت که ۴۵" روز " مقاومت یعنی شکستن دشمن، یعنی عشق و ایمان، یعنی اعتقاد، یعنی رستن از اسارت دنیا و پیوستن به حق ... آزادی به معنای مطلق کلمه!

با تمام وجود،

تنها می‌توان گفت "خرمشهر را خدا آزاد" کرد... و تنها می‌توان گفت: ای جاده‌های سخت ادامه، ما را لیاقت رفتن نیست...؟

یاد همه شهدا به ویژه شهدای سوم خرداد خرمشهر گرامی وجاودان باد.

توسط موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری؛

دیدار با دو چهره ادبی و فرهنگی بوشهر

اعضا شورای اسلامی شهر و موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بوشهر با دو تن از چهره های فرهنگی و ادبی این شهر به طور جداگانه دیدار کردند. به گزارش روابط عمومی موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر، محسن شریف و نجف آهوچهر که در روزهای اخیر در بیمارستان بستری شده بودند، پس از گذراندن روند درمان، دوره نقاهت خود را در منزل سپری می کنند.

گفتنی است از استاد شریف به دلیل خلق آثاری همچون آس نحس و سال های صبر در آیین روز بوشهر در اسفندماه سال گذشته تجلیل شد.

استاد آهوچهر نیز از فرهنگیان برجسته ای بوده که بیش از چهار دهه از عمر خود را در راه آموزش نسل های مختلف پرداخته و مدیریت چند مرکز آموزشی را در کارنامه ی پربار فرهنگی خود دارد.

در این دو دیدار، حاضرین ضمن تقدیر از خدمات ادبی و فرهنگی محسن شریف و نجف آهوچهر، ابراز امیدواری کردند در روند بهبودشان تسریع حاصل شود.





در پایان این دیدارها از این دو چهره ادبی و فرهنگی بوشهری با اهداء هدایایی تجلیل شد.

گفتنی است این دیدار ها تحت عنوان "دیدار با فرزانگان" توسط موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بوشهر صورت می گیرد.

الگوی چرخ زندگی

قاسم احمدی - کنگان

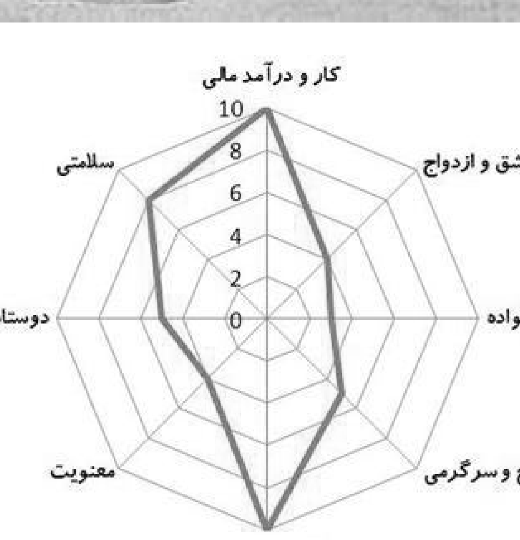


آیا چرخ زندگی من خوب می چرخد ؟ این سئوالی است که هر چند یک بار از خود پرسیده ایم یا شاید سئوالی باشد که از یکدیگر می پرسیم اما شاید سوال مهم تر این است که چه عواملی را باید در جواب دادن به این سئوال مدنظر داشت .این مقاله به چگونگی چرخه زندگی و حرکت آن به سمت جاده آرامش و زندگی شاد می پردازد.

الگوی چرخ زندگی به دایره ای که به ۸ قسمت مساوی تقسیم شده است اتلاق میشود که که هر یک از این قسمت ها به بررسی یک بعد از زندگی می پردازد . مطابق شکل کار و درآمد مالی ، سلامتی، تفریح و سرگرمی ، عشق، خانواده ، یادگیری و رشد ، معنویّت ، دوستان و ارتباطات قسمت های مختلف این دایره را تشکیل می دهند.

شما به هر قسمت از زندگی تان پس از بررسی نمره صفر تا ۱۰ را می دهید و سپس خانه های مربوط به آن را متناسب با نمره نقطه گذاری می نمایید ، پس از اتصال نقطه ها به هم چرخ زندگی خود را به دست خواهید آورد. مثلاً تصویر زیر چرخ زندگی فردی است که از لحاظ مالی و رشد و یادگیری و خانواده موقعیت مناسبی دارد ولی از نظر خانواده، عشق ، تفریح و دیگر موارد شرایط مناسبی ندارد پس خوب نچرخیدن چرخ زندگیش و نداشتن آرامش آن محتمل به نظر می رسد.

برای بررسی هر یک از موارد می توانید از سولات زیر کمک بگیرید.



کار و درآمد مالی : در آمد سالیانه شما چقدر است؟ کجا زندگی می کنید؟ چقدر پول نقد دارید؟ دارایی شما چقدر است؟ اگر بخواهید به سطح مالی زندگی خود نمره دهید از ۱۰ چه نمره ای می دهید؟ آیا از شغل خود راضی هستید؟ درآمد تان خوب است؟ چقدر جای رشد و ترقّی در شغل شما وجود دارد؟ همکاران و مشتریان شما چه کسانی هستند؟

سلامتی : آیا به بیماری مبتلا هستید؟ ورزش می کنید؟ احساس می کنید چقدر زنده می مانید؟ بدنتان را هر چند وقت چک می کنید؟ روزانه غذای خوب و میزان آب مناسب مصرف می کنید؟

خانواده : آیا می توانید به خانواده خود تکیه کنید؟ چند ساعت از روز با خانواده می گذرانید؟ آیا با آنها خود به تفریح می روید؟ برای در کنار آنها بودن مشتاقید؟ آیا به خانواده خود افتخار می کنید؟

عشق و ازدواج : از ازدواج خود راضی هستید؟ در زندگی مشترک چقدر احساس یکنواختی می کنید؟ آیا ازدواج را به عنوان نقطه درخشان و آرامش بخش در زندگی می دانید آیا کسی را دارید تا به او عشق بورزید آیا کسی عاشق شماست؟

یادگیری و رشد : آیا همیشه در حال یادگیری هستید؟ به طور متوسط در ماه چه تعداد کتاب می خوانید؟ آیا به جای خواندن کتاب زیاد تلویزیون می بینید؟ (تحقیق ها نشان می دهد که مردم به صورت متوسط روزی ۶ ساعت تلویزیون می بینند یعنی چیزی حدود یک چهارم عمرشان) آیا در زمینه علم کاری خود به روز هستید؟ آیا در حال یادگیری زبان جدید هستید؟

معنویت : چه قدر حضور خدا را در زندگی خود حس می کنید؟ چقدر به دیگران کمک می کنید ؟ آیا انسان دوستید؟ آیا همدرد دیگرانید؟

دوستان : چه تعداد دوست صمیمی دارید؟ آیا در مواقع غم دوستانی دارید؟ دوستان شما چه کسانی هستند؟ آیا در داشتن دوست تنهایید؟ چقدر از با دوستانتان بودن لذت می برید؟

تفریح و سرگرمی : چه میزان از وقتتان را به عنوان وقت آزاد و سرگرمی اختصاص می دهید ؟ تعطیلات را چگونه می گذرانید؟ به کجاها سفر کرده اید؟ برای اینکه سرگرم و شاد باشید چه کارهایی می کنید؟

نکاتی در ارتباط با چرخ زندگی که گفتن آن لازم می باشد .

۱ – متناسب بودن قسمت های مختلف چرخ زندگی به اندازه کامل بودن هر قسمت اهمیت دارد ، به بیان بهتر تناسب رشد بین قسمت های مختلف زندگی هر فرد باعث زندگی نرمال تر آن می شود.

۲ – در بررسی هر قسمت می توان به موارد میزان امنیت ، رضایتمندی ، میزان انرژی دریافتی ، موفقیّت و شکست ها و از این قبیل توجه داشت.

۳ – می توان برنامه ریزی زندگی را (کوتاه مدت یا بلند مدت) بر اساس چرخ زندگی انجام داد.

۴ – گاهی می توان برای مدتی معّین روی قسمتی خاص از زندگی متمرکز شد . مثلا اگر قرار است برای آزمون خاصی آماده شوید بهتر است برای قسمت یادگیری و رشد وقت بیشتری را بگذارید.

۵ – میزان سوالاتی که برای یک قسمت از زندگی به کار می رود کاملاً به موقعیت اجتماعی ، فرهنگی ، خانوادگی و.... بستگی دارد مثلا ممکن است برای افراد با درآمد مالی مختلف ، نمره ۸ معناهای کاملاً متفاوتی داشته باشد یعنی فردی با درآمد ۶۰۰ هزار تومان این نمره را برای خود قائل شود ولی فرد دیگری با درآمد ۶ میلیون تومان به خود نمره ای کمتر از این را بدهد.

منبع: اینترنت

همایش فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی در بوشهر

به کوشش گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، همایش یک‌روزه علمی‌پژوهشی منطقه‌ای در استان بوشهر با نام «فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی» در تاریخ ۳۰ اردی‌بهشت امسال از ساعت ۹ صبح در تالار دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر با حضور شاهنامه‌پژوهان، استادان و دانشجویان دوره دکتری زبان و ادب فارسی برگزار شد.

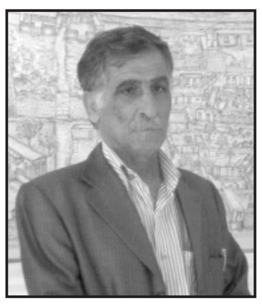
به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی بنیاد فردوسی، این همایش علمی پژوهشی در دو نشست تخصصی جداگانه با عنوانهای «فردوسی‌شناسی» و «شاهنامه‌پژوهی» با حضور یاسر موحدفرد، دبیرکل بنیاد فردوسی و سید جعفر حمیدی، سیداحمد حسینی کازرونی، مریم پرهیزگاری و شمس‌الحاجیه اردلانی از اعضای هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر برپا شد. در همایش علمی پژوهشی فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی، سرفصلهای راز و رمز در شاهنامه، بررسی زندگی شخصی فردوسی، دانشنامه جهانی شاهنامه، نقش گوسان‌ها در ایران باستان و سیمای بزرگمهر در شاهنامه، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

از برنامه‌های جنبی این همایش؛ اجرای نقالی و شاهنامه‌خوانی استاد محمد صغیری و تک‌نوازی محمدرضا شاه‌حسینی بود. برپایی نمایشگاه کتابهای منتشر شده از سوی بنیاد فردوسی و ارایه کتاب الکترونیک مجموعه مقاله‌های همایش علمی پژوهشی فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی از دیگر برنامه‌های فرهنگی پژوهشی این همایش بوده است.

ابولقاسم محمدی باغملائی معلم باسابقه بوشهر:

آموزش و پرورش مثل ماشینی است که آب و روغن قاطی کرده باشد

گفتگو:مسعود عر ب زاده/حدیث زنگنه



– لطفا خودتان را برای خوانندگان معرفی کنید.

– ابولقاسم محمدی باغملائی متولد ۱۳۳۰ ، سال ۱۳۵۰ به استخدام آموزش و پرورش نائل و درسال ۱۳۸۲در استان بوشهر با ۲۶ سال خدمت و۵۰ سال سن بازنشسته شدم.

– شغل برای چیست؟

–گاهی بستر شغلی برای شخص مهیا می شود . گاهی برایش آماده می کنند و گاهی عاشق شغلی. می شوی تا روز و شبت را روزگاری کنی .و زندگی کنی، که نه زنده مانی .

– معلم کیست؟

– در عرصه زندگی همه احاد جامعه به گونه ای معلم می باشند . اگراز زاویه تعلیم بنگریم و برجستگی (معلم) مورد سوال شما ، باشد معلم راس هرم جامعه می باشد و خورشید پرتو افکنی است که از تابشش بی شمار بهره جوئی می کنند. و بگونه ای شمع دو سرسوزی است که پروانه ها را از سوختن خود به رقص می آورد.

– معلم بودن ذاتی است یا اکتسابی؟

– نه ذاتی است ونه اکتسابی .عاشقی است و دیوانگی و از خود باختگی.

– بهترین معلم شما کیست؟

– –کاکا جان شش بلوکی . کلاس دوم ابتدائی .او که به چه زیبائی در آن سالهای که یاد دادن با ترکه خیرزان الفبای فارسی را یاد می دادند او با ظرافت ودقت و مهربانی ، او الفبای زندگی را یاد من داد. و چه خاطرات شیرین و به یاد ماندنی در صفحه سفید روزگار کودکی من از خود بر جای گذاشت.

– به نظر شما معلم های امروز چقدر پایبند به اصول اخلاق در تربیت به دانش آموزان خود هستند؟

– امکانات و خدمات فراگیری امروزیها قابل مقایسه با روزگار ما نیست. ما با هیچ امکانات آموزشی خود را یافتیم و یافته ها یمان به عزیزان دانش آموز ارائه می کردیم. امیدواریم آنچه در سطوح آموزشی می شنویم و گاها می بینیم نباشد و به خود آئیم و مثل گذشته عاشقی کنیم تا دانش آموزان و دانشجویان باورمان داشته باشند.

– تعلیم سخت تر است یا تربیت؟

– هرکدام جایگاه و اثرگذاری خود را دارند. اگرامکانات و ابزار تربیتی و آموزشی نه حتی بطور مطلق که نسبی فرا خور رشد هدف مورد نظر فراهم باشد مطمئن باشید هم تربیت وهم آموزش چون دو جریان مثبت و منفی که لامپی را روشن می کنند و روشنائی می بخشد و به بار می نشیند. در غیر اینصورت به تنهائی لامپ خاموش می ماند و در تاریکی هم راهی به جائی نمی بری .

– چه شد معلم باقی ماندید؟ از معلمی چه موقع خسته می شوید؟

– اگربگویم نسل ما که امروز دیگر همگی باز نشسته شده ایم و از قیل و قال کودکانه و کودکان محروم. نسلی ،عاشق، زلال در تمام عرصه های اجتماعی بودیم گزاف نگفته ام. آدمی وقتی عاشق است ، در مقا بل همه ناملایمات به جای غم ناله ، عشق ورزی می کند ما چون عاشق شغلمان بودیم خستگی را خسته کرده بودیم.

– در طول تدریس روزهای بوده که دل دماغ درس دادن به دانش آموزان خود نداشته باشید؟

– با ور کنید .در هر جلسه که با دانش آموزان بودم. مثل خودشان شاگردی می کردم. روی دلشان و با خواسته ها یشان راه می رفتم. همیشه با مطلبی و موضوعی نه تکراری سر کلاس می رفتم.

– دربرابر سولات گوناگون و گاهی عجیب دانش آموزان چه برخوردی دارید؟

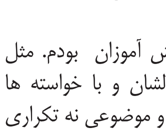
– آنچه می دانستم که می دانم جواب می دادم. جاده خاکی نمی بردم دانش آموزم تا جوابی منطقی و قابل فهم در حد درکشان نمی یافتم ، جواب نمی دادم.

– به نظر شما محاسن و معایب سیستم آموزش وپرورش چیست؟

– آموزش و پرورش ما چون ماشینی که آب و روغن قاطی کرده باشد، قاطی کرده . نه آموزش جای خود مانده و نه پرورش . هیچ چیزی سر جای خودش نیست. امسال با یک سیستم وعده می دهند. سال تمام نشده سیستم بعدی ارائه می شود. این درهم ریختگی مدیریت قوی لازم دارد تا هر چیز را در حوزه و جایگاه خود قراردهند.

– دریافت شما از رسالت انبیاء و معلمی آنها برای بشر؟

–با شعاردادن که بگوئیم معلمی شغل انبیا ست و معرفت انبیائی نداشته باشیم، همه چیز در اندازه شعار باقی می ماند.



نگاه امراله دهقان

پر حرفی معلم و کم حرفی دانش آموز

توی یکی از مدارس دیدار اولیا دانش آموزان با مربیان بود... مادر یکی از دانش آموزان از درس و رفتار فرزندش ازم پرسید. گفتم خیلی خوبه. با تعجب بهم نگاه کرد! خیال کرد به طعنه می گویم.

وقتی پی برد که جدی ام و شوخی نمی کنم گفت آخه همه دبیران می گن خیلی شلوغه و حرف می زنه!

گفتم مشکل اینجاست که اونا توقع دارن دانش آموز، نود دقیقه حرف زدن خودشان را تحمل کند ولی خودشان تحمل چند دقیقه حرف زدن دانش آموز را ندارند!...

ضرب المثل بوشهری

سرِ موهی دم موهی خونت بیشین بی رسوایی
(یَعنی خودت رو وارد ماجرایی که بهت مربوط نیس نکن)

بعد از ۴۰ رو خواسیم لباس بشوریم بارون اومه
(معنیش معلومه. کاربردش هم برای آدمای بد شانسه)

پیل منگو سی روز تنگو
(پول زنگ زده برای روز گرفتاری)
معادل لنگه کفش در بیابان نعمت است

جزئیات پرونده قتل دو کودک توسط مادر در کنگان

به گزارش ثلاث؛ مادری که بر اساس شواهد یک بیمار روانی است، به علت ترس از منزوی شدن فرزندان خود در آینده، دو کودک خردسال خود را در خانه به قتل رساند.
همسر این زن که از کارکنان اداره دولتی شهرستان کنگان است، طبق عادت هر روزه خود و به خاطر نزدیکی محل کار و منزل، برای سرکشی به خانه می رود که متوجه این اتفاق می شود.
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کنگان در گفتگو با خبرنگار ثلاث، با تایید این موضوع، اظهار داشت: در بازجویی‌های اولیه به عمل آمده از متهم مشخص شد که مادر این دو کودک به وسیله روسری اقدام به کشتن دو فرزند خود کرده است.
شعبان کاویانپور با بیان این مطلب که هر دو مقتول پسر بوده اند، افزود: یکی از آن‌ها پنج ساله و دیگری ۹ ماهه بوده‌اند که توسط مادر خود به قتل رسیده‌اند.
وی در پاسخ به این سئوال که هدف یا انگیزه از این اقدام چه بوده است، بیان داشت: مادر این دو کودک طی بازجویی های اولیه عنوان کرد: منزوی و گوشه گیر بوده‌ام، هیچ کس مرا درک و کمک نمی‌کرد، احساس کردم شاید بچه هایم نیز مانند خودم به این سرنوشت دچار شوند، به همین علت تصمیم به این کار گرفتم.
دادستان دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کنگان افزود: اظهار نظر در مورد انگیزه قتل قطعی نیست زیرا ممکن است این متهم طی روزهای آینده مطالب دیگری را عنوان کند.
وی با تائید تحت درمان بودن این مادر گفت: مدتی قبل از این اتفاق، این زن توسط یکی از روانپزشکان شیراز ویزیت شده بود ولی حالت جنون وی برای ما احراز نشده است.
کاویان پور بیان کرد: این زن، کودک پنج ساله خود را به بهانه یک نوع بازی، سرگرم و نهایتا او را با یک رو سری خفه می‌کند و همچنین کودک نه ماه را نیز با روسری خفه می کند.
وی با بیان اینکه این مادر در حالت خاص روانی بوده است، افزود: این خانم فعلا با عنوان قتل عمد، بازداشت موقت و در زندان به سر می برد.
این مسئول عنوان کرد: تا مرحله صدور کیفر خواست، این پرونده به دست ما است و بعد از آن، پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری استان می‌رود.
وی با رد اتهام همسر این زن در جریان این پرونده گفت: شوهر این زن و پدر دو کودک مقتول، هیچ نقشی در این پرونده نداشته است.
این زن و شوهر اهل خورموج هستند که بنا به موقعیت شغلی مرد، در حال حاضر در کنگان ساکن شده‌اند و در خانه های سازمانی زندگی می کنند.

عکاس بوشهری برگزیده جشنواره اردیبهشت

برگزیدگان هفتمین جشنواره ملی فیلم و عکس اردیبهشت معرفی شدند . براساس رای هیئت داوران در بخش مسابقه عکس مستند به ترتیب اسماعیل جاشویی از بوشهر ، جاوید خدمتی از اردبیل و امیر مینابیان از هرمزگان برتر شناخته شدند . هفتمین جشنواره ملی فیلم و عکس اردیبهشت در ۲ بخش ملی و استانی با ۳۷ فیلم و ۱۵۲ عکس از هنرمندان سراسر کشور از ۲۵ اردیبهشت در بندرعباس برگزار شد ./ منبع:ایرنا

زندگی، فوتبال و دیگر هیچ!

محمدعلی بختیاری



شاهین ما بوشهری‌ها سقوط کرد، ایرانجوان به جایی نرسید و تب فوتبال اندکی در شهر ما فروکش کرد. تحلیل مسایل و پیامدهای فوتبال، از آنجا که با رگه‌های تند تعصبات تیمی، قومی، هویتی و غیره در هم آمیخته است، به هیچ روی آسان نیست.
نگارنده چندان اهل فوتبال نیست ولی امروزه دستکم در شهر ما بوشهر چه کسی است که فوتبال بر زندگی او تأثیر نگذاشته باشد؟ از پای تلویزیون نشستن اهل و عیال و خانواده و دوستان برای تماشای مسابقات گرفته تا دنبال کردن حاشیه‌های فوتبال و فوتبال حاشیه‌ای ما در برنامه‌هایی مانند نود و غیره، تا بحث‌ها و جدل‌های بی‌پایانی که تقریبا همه مردم بوشهر، به ویژه در این چند ماه اخیر، یا درگیر آن بوده‌اند یا در هر کوی و برزن و محل کار و غیره دیده‌اند و شنیده‌اند.
و از آن سو دیدن تصاویر رقت بار گریه و زاری جوانان و مردم بوشهر در تلویزیون سراسری و از آن دردناک‌تر و زجرآور تر دیدن اینکه یک بوشهری جلوی دوربین سر خود را به میله‌های ورزشگاه می‌کوبد و احتمالا سوژه خنده و تفریح سایر هموطنان عزیز را در اقصی نقاط کشور فراهم می‌آورد.



گفته می‌شود میلیاردها تومان پول خرج تیم شاهین شده است و احتمالا بیشتر از آن ارزش وقتی است که مردم بوشهر برای بحث و جدل کردن درباره این تیم و مسایل آن صرف کرده‌اند و اعصابی است که به‌خاطر آن فرسوده‌اند و قلب و عروقی است که بی گمان به‌خاطر استرس‌ها و ناراحتی‌ها دچار مشکلات پیدا و پنهان کرده‌اند.
در کشورهای مرفه و پیشرفته، فوتبال علاوه بر ورزش و سرگرمی، عاملی برای رونق اقتصادی است و برخی کشورهای فقیر نیز شاید با صادر کردن فوتبالیست درآمدی به دست می‌آورند. با اینحال به نظر نمی‌رسد فوتبال محلی ما با سازوکار تیم‌هایی مانند شاهین به وضعیت اقتصادی مردم بوشهر یا شهر بوشهر کمکی کرده باشد. البته مسلما تعداد انگشت شماری از افراد، یعنی بازیکنان و برخی دست اندرکاران – که البته بیشترشان هم غیر بوشهری بوده‌اند – از وجود این تیم سود بردند، ولی همانطور که گفتم این سود بردن‌ها دو سویه و متعادل نبوده است و بوشهر و بوشهریان نه تنها چیزی – اعم از مادی و معنوی – عایدشان نشد، بلکه باید دید چه میزان ضرر کرده‌اند و آیا این مقدار پول و انرژی و وقت که صرف این تیم شد اگر بخشی از آن در زمینه‌هایی دیگر و در جهت ارتقای سطح زندگی مردم بوشهر و برای شهر خرج می‌شد بهتر نبود؟
انسان موجودی است که همیشه سود و زیان خود را محاسبه می‌کند و ارزش هر چیز را به دقت می‌سنجد و قیمت هر کالا را تعیین می‌کند تا مبادا بهای بیشتری برای چیزی که ارزش کمتری دارد بپردازد و البته این حسابگری که برآمده از عقلانیت است فضیلت بزرگی برای نوع بشر به شمار می‌آید.
به نظر می‌رسد اکنون وقت آن رسیده است که ما بوشهری‌ها نیز به صورت فردی و جمعی در مورد این تیم‌هایی که نه تنها پول و وقت و سرمایه بلکه روح و روان و حتی آبروی خود را در پای آنها ریخته‌ایم به محاسبه دستاوردها وسود و زیان خود بپردازیم.

کسی نگران سلامت نسل آینده عسلویه نیست؟!

چند صد متر آنورتر از این شعله های بی وجدان ، خانه های مسکونی وجود دارند که در هر کدام از آنها خانواده ای زندگی می کند. در هر کدام از آنها با طلوع هر خورشیدی هزار امید و آرزویی تراوش می کند. هر خانه ای بچه ای دارد که به مدرسه میرود. و هستند بچه هایی که شیرخوارند. هنوز! پیرمرد سالخورده ای که سالهای جنگ ایران و عراق را در جبهه ها خوب یادش است! از همین منطقه عزم سفر به مناطق مقدس را کرده و یک وجب از خاک وطنش را به قیمت ترکمنچای و گلستان ها نفروخته است!
در زیر همین آسمان مردمی زندگی می کنند که هنوز کسی برایشان حق آلایندگی در نظر نگرفته و در حساب های خود جایی برایش ندارد! مردمی که هیچ از مردم آمریکا و قطر و ژاپن کم ندارند بلکه شاید به خاطر مسلمان بودنشان بیشتر از آنها هم باشند!
این صحنه هر روز در دیده ها اکران میشود و با وجود اینکه در فصل تابستان با وجود گرمای شدید و رطوبت زیاد هوا لایه ای از دود و هوای سمی به وجود می آید که دشمن ریه های ساکنین این منطقه است و حتی به ساختمان های اینجا هم رحم نمی کند، در فصل زمستان حتی باعث باران های اسیدی میشود! کسی هیچ برنامه ای برای کم کردن این آلودگی های ترسناک ندارد.
سوال اینجاست که آیا اینجا فقط اقتصاد و انرژی اش جز قلمرو ایران است و دلارهای نفتی برای تنظیم بودجه راهی خزانه میشود ، یا انسان های موجود در اینجا هم برای دولتمردان و مسئولین جزئی از مردم ایران و دنیا محسوب می شوند که حق زندگی دارند؟
کسی نگران سلامت نسل آینده ی این منطقه نیست؟!
منبع: اینجا بندوست /http://bando.blogfa.com



مرگ ۲۰ بوشهری بر اثر سوختگی

مدیرکل پزشک قانونی استان بوشهر گفت: در سال گذشته ۲۰ نفر بر اثر سوختگی در استان بوشهر جان خود را از دست دادند. علیرضا رضایی اظهار داشت: این آمار در مقایسه با سال ۸۹ که تعداد فوتی‌های ناشی از سوختگی ۴۱ نفر بود، ۵۱,۲ درصد کاهش یافته است.
وی افزود: در سال گذشته ۱۰ نفر از فوتی‌های ناشی از سوختگی در این استان مرد و ۱۰ نفر زن بودند و فوتی‌های ناشی از سوختگی این استان در سال ۸۹، ۲۲ مرد و ۱۹ زن بوده است.
مدیرکل پزشک قانونی استان بوشهر تصریح کرد: در سال گذشته، ۳۷۴ نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست داده‌اند و این آمار در مقایسه با سال ۸۹ که ۳۷۱ نفر در تصادفات رانندگی کشته شدند، ۰,۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.رضایی با بیان اینکه از تلفات رانندگی سال گذشته ۳۰۶ نفر مرد و ۶۸ نفر زن بودند، خاطرنشان کرد: بیشترین تلفات حوادث رانندگی با ۲۵۳ مورد در جاده‌های برون شهری و پس از آن با ۹۱ مورد در تصادفات درون شهری، ۲۷ مورد در جاده‌های روستایی و سه مورد نامعلوم گزارش شده است.
وی گفت: همچنین در سال گذشته، آمار سه هزار و ۴۵۷ مصدوم حوادث رانندگی در مرکز پزشکی قانونی استان ثبت شده است که از این تعداد دو هزار و ۶۳۳ نفر مرد و ۸۲۴ نفر زن هستند.
این مقام مسئول اظهار داشت: مصدومین حوادث رانندگی سال گذشته نیز در مقایسه با سال ۸۹، ۱۴,۷ درصد افزایش یافته است ضمن اینکه تعداد مصدومین حوادث رانندگی سال ۸۹، سه هزار و ۱۴ نفر بود./منبع:فارس

اهل عسلویه ام

ماجد عرب زاده



روزگارم بد نیست
چاه نفتی داریم
چاه گازی داریم
سر سوزن درآمدی
شغلی دارم
بهتر از مسافرکشی
دوستانی، همچون من بی کار
و نماینده ای که همین نزدیکیست
پشت آن فنس ها
گوییا میخواند

پای آن صندلی دور
اهل عسلویه ام
هوای تمیز کم دیدم
ازمن خون نمی گیرند چرا؟
***

اهل عسلویه ام
پیشه ام بیکاریست
گاه گاهی میرم اداره کار
تا شاید کاریی بیابم
اما زهی خیال باطل
چه خیالی،،،، چه خیالی میدانم
میدانم گشتنم بیهوده است
خوب میدانم
حاصل جستجوی من الافیست
***

من بی کارم
بر سرسفرم هیچ نیست
جانمازم هیچ

زمین سجاده من
من وضو با آب شور میگیرم
مردم پیر و جوان بی کارند هنوز

اهل عسلویه ام
نسبت بهم بی تفاوتند مسولین
من پارتی ندارم
فامیل رییس ندارم
کل ایل وتبارم بی کارند!
دوستم درمرغ فروشی کار میکند
پارتی من شاید خدا باشد
پسر عمه منم بی کار است
***

نماینده ی بی خبر از خواب پرید
کار پیدا شد
مرد نماینده از من پرسید
چه نوع کاری زمن میخواهی
من ازاو پرسیدم
یه لقمه نون حلال سیری چند؟

منبع: /http://daneshju-as.blogfa.com

نهنگ‌های خلیج‌فارس در معرض خطر انقراض

حسین مرادی



به عظمت و شکوه خلیج همیشه‌فارس علاوه بر منابع عظیم نفت و گاز می‌توان گونه‌های مختلف موجودات دریایی را نیز اضافه کرد. گونه‌هایی که محیط زیست جانوری متنوع و بی‌نظیری را در این دریا به‌وجود آورده‌اند؛ محیط زیستی که همیشه در سایه اهمیت ژئوپلوتیک این خلیج زیبا قرار می‌گیرد و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کند چندان به چشم مسئولان و کارشناسان نمی‌آید.
یکی از نادرترین و مهم‌ترین گونه‌های آبزی در خلیج فارس که در سال‌های اخیر شاهد افزایش مرگ آن‌ها بوده‌ایم نهنگ‌های خلیج‌فارس است. نهنگ‌هایی که هرساله ساحل‌نشینان خلیج‌فارس شاهد به گل نشستن تعدادی از آن‌ها هستند و این موضوع در کنار مرگ دلفین‌ها؛ یکی دیگر از پستانداران خلیج‌فارس، نگرانی‌های زیادی را به‌وجود آورده است.
نهنگ و دلفین که تحت عنوان پستانداران دریایی شناخته می‌شوند و بیش از ۲۳ گونه از آن‌ها در دنیا وجود دارد در دریای خلیج فارس نیز در چندین گونه متنوع زندگی می‌کنند. اگرچه بسیاری از ایرانی‌ها از وجود نهنگ در موضوعی که در سال‌های اخیر توجه دوستداران محیط زیست را به خود جلب کرده است به گل نشستن این گونه‌های کم‌یاب دریایی است که در سواحل جنوبی کشور رخ داده است. بتازگی در بندر جاسک استان هرمزگان نیز چنین حادثه‌ای رخ داد و نهنگی بزرگ به گل شست. پیش از این نیز در بندرهای استان بوشهر و هرمزگان بارها این اتفاق رخ داده است؛ اتفاقی که تکرار آن می‌تواند دلایل خاصی داشته باشد.
دکتر ایرج نبی‌پور رئیس مرکز تحقیقات زیست فناوری دریایی خلیج فارس، پیرامون این موضوع چنین می گوید: «به گل نشستن نهنگ‌ها و دلفین‌ها از جمله موارد رایجی است که در همه دنیا اتفاق می‌افتد و در برخی کشورها مانند دانمارک در ایامی خاصی از سال تکرار می‌شود به‌طوری که حتی مردم در این ایام برای دیدن آن‌ها در ساحل به انتظار می‌مانند.»
این عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در مورد دلایل این پدیده توضیح می‌دهد: «شرایط آب و هوایی مانند طوفان و گردوباد، شرایط توپوگرافی پیچیده مانند کانال‌های پر پیچ و خم، سواحل گلی گسترده و سموم طبیعی که از طریق شکار موجودات کوچک‌تر وارد بدن آن‌ها می‌شود از جمله دلایلی است که می‌توان برای این پدیده بر شمرد.»
در کنار موارد ذکرشده صداهای ناشی از ناوها و زیر دریایی‌های، لرزه‌نگاری‌ها و حتی صداهای طبیعی ناشی از زلزله‌های زیر دریا نیز می‌تواند علت این حادثه باشد. برخورد با پروانه شناورهای صیادی و تجاری در این دریا هم یکی از دلایل دیگری است که موجب می‌شود نهنگ‌های زخمی به ساحل بیایند و جان دهند.
دکتر نبی‌پور گیر افتادن در تور صیدهای صنعتی و آلودگی‌های زیست محیطی را عمده دلیل به گل نشستن این موجودات دانسته و می‌گوید: «به طور مثال بر اثر پدیده باران اسیدی شرایط آب دریا دچار تغییراتی شده و رادارهای جهت‌یاب این گونه‌های دریایی را دچار اختلال کرده است. بر اثر اشتباه مسیریابی این موجودات به سواحل آمده و نمی‌توانند به دریا بر گردند.»
اما نکته بسیار جالب در مورد این اتفاق خودکشی نهنگ‌ها پیر و مریض است؛ تحقیقات نشان می‌دهد که تعدادی از موارد به گل‌نشسته؛ گونه‌های پیر و مریض بوده‌اند که خودکشی کرده‌اند و از همه جالب‌تر این است که با توجه به وابستگی اجتماعی این‌گونه موجودات دریایی زمانی که گروهی از آن‌ها به هر دلیل به ساحل می‌آیند؛ بقیه گروه نیز به دنبال آن به ساحل آمده و دیگر نمی‌توانند به دریا برگردند.
هر چند به گفته نبی‌پور این اتفاق در همه دنیا اتفاق می‌افتد و دلیل اصلی آن نیز هنوز مشخص نشده است، اما آمادگی سازمان‌های زیربط در مناطق ساحلی برای برگرداندن برخی از این گونه‌ها که هنوز سالم بوده و توان برگشت به دریا را دارند و همکاری مردم در این مواقع که در همه‌جای دنیا امری متداول است، می‌تواند به حفاظت بیشتر این گونه تحت حمایت کمک کند؛ در غیر این صورت با توجه به تعداد کم این جانوران زیبا که آمار دقیقی هم از آن‌ها موجود نیست، خطر انقراض می‌تواند نسل آن‌ها را تهدید کند.

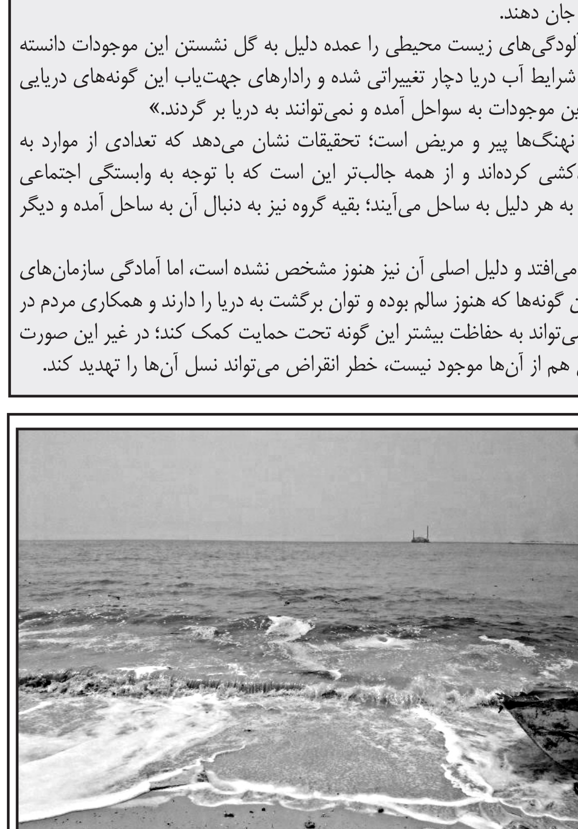
نمونه ای کوچک از خانواده ای بزرگ و موفق

مصطفی صفایی - کنگان



هستند افراد و خانواده هایی که با وجود محرومیت و نداشتن نفوذ و امکانات؛ با توکل برخدا، با تکیه بر اراده و پشت کار خود؛ توانسته اند به هدف خود دست یابند.
مطالعه ی سرگذشت انسان های موفق و بزرگان علم و دانش، می تواند مسیر پیشرفت را بهتر به انسان نشان دهد. گاهی اوقات شاید به خود بگوییم محیطی که ما در آن زندگی می کنیم با محیط آن انسان ها تفاوتهای زیادی دارد، اما اگر با سرگذشت کسانی که در شهر، محله و چند قدمی ما زندگی می کنند آشنایی یابیم، مطمئن می شویم که ما نیز برای رسیدن به موفقیت، چیزی کم نداریم.
عبدالله حق شناس (مداح اهل بیت) ساکن شهر کنگان، فردی بود که روزی حلال خود را از طریق شغل پر مشقت بنایی به دست می آورد. او از همین راه فرزندانش را بزرگ و راهی مدرسه و دانشگاه نمود. او درس زندگی را خیلی خوب به فرزندان خود آموخت.
محمد پسر بزرگ عبدالله در مدرسه کار و دانش مشغول تدریس در رشته برق است؛ مهین دختر عبدالله نیز به عنوان معلم زبان و ادبیات فارسی در مقطع متوسطه؛ فاطمه دختر دیگر این خانواده معلم مقطع ابتدایی؛ غلامرضا (فوق لیسانس) نیز به عنوان دبیرعربی در مقطع متوسطه؛ محمود به عنوان معلم دینی و عربی در مقطع راهنمایی و حامد نیز معلم مقطع ابتدایی است.
عادل فرزند آخر عبدالله در حال سپری نمودن ترم آخر رشته شیمی گاز در دانشگاه کرمانشاه می باشد که وی نیز به زودی به عنوان یک مهندس شیمی فارغ التحصیل می شود (حامد در مقطعی به عنوان دانشجوی نمونه این دانشگاه معرفی شد).
احمد یکی دیگر از پسران عبدالله به عنوان یک برق کار مشغول است. همه ساله برخی کارآموزان رشته برق برای فراگیری کارهای عملی این رشته به او مراجعه می کنند. وی نیز اطلاعات مربوط به حرفه ی خود را به صورت عملی به کارآموزانش تعلیم می دهد.
باید متذکر شد که نقش والدین این فرزندان در موفقیت آنها یک نقش کلیدی بوده است.
عبدالله در رمضان سال ۸۲ به رحمت خدا پیوست...روحش شاد.
/http://storyonline.blogfa.com

نشت لوله گاز خام ، ساکنین عسلویه را به وحشت انداخت



نشت لوله گاز خام در محدوده اسکله شهر عسلویه زندگی ساکنین و ماهیگیران را مختل کرد. به گزارش "عسلویه نیوز" بدلیل نشت لوله گاز خام در حاشیه خلیج فارس و سرازیر شدن آن به اسکله بندر عسلویه زندگی ساکنین و دریانوردان را با مشکل جدی مواجه شد بطوریکه دریانوردان شغل صیادی خود را تعطیل نمودند و ظهور چنین پدیده ای باعث ترس ساکنین این شهر شد.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

nasimjonoub.com

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتو گرافی وچاپ : کارگر



پشت دروازه فوتبال

هشدار محمد دوانی در خصوص خرابی زمین چمن شاهین



رییس هیات فوتبال استان بوشهر از وضعیت زمین فوتبال شاهین بوشهر ابراز نگرانی کرد. محمد دوانی در این خصوص با درج مطلبی در سایت هیات فوتبال استان نوشت: سلام علیکم. هرکسی که اهل دل است و هوادار واقعی شاهین سری به زمین چمن باشگاه شاهین بزند زمینی که با خون دل و تلاش و زحمات شبانه روزی حج رضا عبداله زاده ساخته و پرداخته شد و چند سال است مورد استفاده قرار گرفته و آنهایی که صدها میلیون تومان پول از اعتبارات این استان را بلعیدند و رفتند، از آن زمین استفاده کرده اند حال به روزی افتاده که دل هر انسان اهل فوتبال را به درد می آورد. زمین صاف و مخملی سال گذشته هم اکنون پر از کچلی – شوره – سفت و بلاصاحب افتاده است واقعاً هیچکس خودش را مسئول نمی داند حتی به کارگر بیچاره ای که نزدیک به دو سال است حق الزحمه اش را دریافت نکرده کسی سر نمی زند. هیچکس نمی پرسد چرا زمین به این حال و روز افتاده زمین آب نمی خورد زیرا آب اینجا را قطع کرده اند. حاج رضا هم که مریض و بدهکار است.

برای بازسازی این زمین: ۱- مبلغ ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان اعتبار بابت بذر ، خاک ، کود، کارگر و آب و برق. ۲- حداقل ۱۰ روز کار مداوم با چندین نفر کارگر. ۳-حداقل ۲ ماه زمان برای بازگشت به حالت اولیه، نیاز دارد.

حال می طلبد که مردان شاهین، مردان بوشهر دست همت بلند کنند. ما هم به نوبه خودمان حاضر به همکاری هستیم.

افراشته : شایعه هم اگر می سازند باید کمی با منطق جور باشد



برخی شایعات از خرید امتیاز گهر توسط بوشهری ها و در راس آن افراشته خبر می دهند. علی افراشته اعلام کرد: من هیچ تمایلی به حضور مجدد در فوتبال ندارم و اگر چنین پولی وجود داشت که ۱۰ میلیارد برای خرید امتیاز یک تیم بپردازیم همان مبلغ را خرج شاهین را می کردیم. شایعه هم اگر می سازند باید کمی با منطق جور باشد.

از سوی دیگر رئیسی نژاد رییس هیئت موسس شاهین هم خرید یا واگذاری امتیاز یک باشگاه لیگ برتری به بوشهر و ادامه فعالیت با نام شاهین را تکذیب کرد و گفت: هواداران به این شایعات توجه نکنند. تیم ما همانگونه که از لیگ استان خود را بالا کشید و به لیگ برتر رسی بازهم اوج می گیرد و نیازی به خرید امتیاز ندارد.

فراخوان کمیته انضباطی برای طلبکاران شاهین

فدراسیون فوتبال مصر است تا تیم های بدهکار را در لیگ های مختلف شرکت ندهد.از آنجایی که دریافت پروانه حرفه ای مستلزم داشتن تراز مالی مثبت و بدون بدهی است، این امر این فصل جدی دنبال خواهد شد. تعیین میزان بدهی باشگاهها هم از طریق محاسبه احکام صادره توسط کمیته انضباطی صورت می گیرد و به همین منظور حسن زاده رییس کمیته انضباطی از همه طلبکاران خواسته تا برای تعیین تکلیف مطالبات خود به کمیته انضباطی مراجعه کنند. او می گوید «افرادی که از باشگاهها مطالباتی دارند می توانند به کمیته انضباطی مراجعه کنند. کمیته انضباطی مکانیزم هایی را برای این کار تعیین کرده و ما در تلاشیم تمام مطالبات شاکیان باشگاهها را تا آغاز فصل جدید وصول کنیم. هم اکنون حدود ۴۰ تیم که ۹ تیم آن لیگ برتری هستند بدهی دارند. این بدهی منظور بدهی هایی است که بابت آن حکم کمیته انضباطی صادر شده. وقتی بازیکن خارجی برای مطالباتشان از فیفا دستور یا تهدید کسر امتیاز می گیرند و پولشان را به زور وصول می کنند چرا نباید ما بتوانیم حق بازیکن خودمان را بگیریم؟در عین حال آیین نامه کمیته انضباطی هم بر وصول مطالبات تاکید دارد»

پترویچ: شاهین نه مدیریت داشت، نه پول و نه امکانات



ایوان پترویچ هافبک تیم شاهین بوشهر در گفتگو با روزنامه تماشا گفت: واقعا من برای مردم بوشهر خیلی ناراحت هستم. آنها مردم خیلی خوبی هستند و عاشقانه شاهین را دوست داشتند اما باید بگویم از همه نظر شاهین مستحق سقوط به لیگ دسته یک بود. این تیم نه مدیریت داشت نه پول و نه امکانات. من خیلی خجالت کشیدم که این فصل عضو چنین تیمی بودم. در حالی که در سه چهار کشور بازی کرده ام و تا حالا چنین شرایطی را تجربه نکرده بودم.

وی افزود: ما در اول فصل ده بازیکن بودیم که پیشنهادهای زیادی از تیمها داشتیم و هیچ کس نمی دانست تیم به این روز می افتد و همه می خواستند برای قهرمانی تلاش کنند. با بازیکنانی که شاهین در این فصل گرفت همه فکر می کردند این تیم می تواند نتایج خوبی بگیرد اما متاسفانه همه چیز عوض شد این فصل برای من تمام شده و من امیدوارم که در آینده بتوانم این فصل را فراموش کنم.

خداحافظ تماشاگران عاشق



امیرحسین البرز : با سقوط شاهین بوشهر به لیگ دسته اول ، آن کورسوی امیدی که بوشهری ها به ایرانجوان داشتند تا در بازی برگشت پلی آف بتواند معجزه ای کند تا لیگ سال آینده باز هم لیگ ، نماینده ای از بوشهر در خود داشته باشد ، به یاس تبدیل شد تا سال آینده بوشهر هیچ جایی در لیگ برتر نداشته باشد.

شاهین که در مدت حضور سه ساله اش در لیگ برتر ادبیات جدیدی را وارد فوتبال ما کرده بود در حالی وداعی دردناک از لیگ برتر داشت که دیگر سال آینده شاهد خیلی صحنه های تراژدیک که با حضور شاهین رقم می خورد، نخواهیم بود.

دیگر هیچ تماشاگری از فرط ناراحتی سرش را چنان به فنس نمی کوبد که دنیا دور سرش بچرخد. دیگر کدام تماشاگر عاشقی را پیدا خواهیم کرد که سند خانه اش را در رهن بانک بگذارد تا برای تیم محبوبش وام بگیرد و خود خانه خراب شود.

اصولا سقوط پدیده دردناکی است . اما از میان سه تیم سقوط کننده امسال هیچکدام دردناک تر از سقوط شاهین نبود. سرچشمه ای ها که از همان اول تکلیف شان معلوم بود. تیمی که در بازی های خانگی تعداد تماشاگرانش هیچگاه از هزار نفر بیشتر نشد وصله ناجور لیگ بود که سقوطش دل کسی را به درد نیاورد. تبریزی ها اما هر چند شهرداری را دیگر در لیگ برتر نخواهند داشت اما آن ها بهانه بزرگی برای فراموشی سقوط شهرداری دارند. تراکتور آن ها راهش را به آسیا هموار کرده و با تحقق رویای تراکتور آسیایی سال آینده می توانند تیم شهرشان را در لیگ قهرمانان آسیا به نظاره بنشینند و چه بهانه ای بهتر از این برای فراموشی سقوط شهرداری.

اما اوضاع در بوشهر خراب تر از آنی است که بتوان برایش مرهمی یافت. همین هفته گذشته بود که خبرنگار بوشهری بعد از اینکه سند سقوط شاهین به دسته اول امضاء شد از فرط ناراحتی قلبش گرفت و راهی بیمارستان شد. البته او شانس آورد که به سرنوشت آن عکاس بوشهری که سال گذشته در حین بازی شاهین و سپاهان قلبش برای همیشه از طپش بازایستاد دچار نشد.

حالا برای یک سال دیگر خبری از آن هله یوس هله یوس های بوشهری ها نخواهد بود. هم آن هایی که ورزشگاه شهرشان را به جایگاهی برای اجرای کنسرتی محلی تبدیل می کردند و در نی انبان ها می نواختند و سرودهای محلی شان را زمزمه می کردند.

تقدیر را نمی توان تغییر داد. باید بپذیریم که بوشهر سال آینده نماینده ای در لیگ برتر نخواهد داشت. اما بوشهری ها می توانند با درس گرفتن از تمام آنچه در این یک سال بر سرشان آمد و به اندازه یک قرن بر آن ها گذشت ، شروعی دوباره داشته باشند و اینبار شاهینی را روانه لیگ کنند که دیگر دغدغه سقوط نداشته باشد. تازه آن ها حالا ایرانجوان را هم دارند که امسال تا پشت دروازه لیگ برتر آمد و با بدشانسی راهی به لیگ پیدا نکرد.

کسی چه میداند شاید دو سال بعد در حالی لیگ برتر را آغاز کنیم که داربی بوشهر نیز به جمع داربی های لیگ اضافه شده باشد. همانگونه که طی این سال ها علاوه بر داربی تهران شاهد داربی خوزستان ، کرمان ، اصفهان ، تبریز و شیراز بوده ایم.

رویای «ال بندرینو» آنقدر جذابیت دارد که آرزو کنیم هر دو نماینده بوشهر راهی لیگ برتر شوند.

محمدپور: درخشان می خواست کامیاب را اخراج کند ۹ میلیارد بدهی داریم

مدیرعامل شاهین بوشهر با حضور در برنامه تلویزیونی نشان سیمای مرکز بوشهر گفت: روزی که قرار بود درخشان برای بار دوم به شاهین برگردد این بازگشت را مشروط به اخراج اصغر کامیاب از شاهین دانست اما ما مقاومت کردیم و این اجازه را به او ندادیم. البته من در بحث بازگشت درخشان دخیل و تصمیم گیرنده نبودم.

محمدپور تغییر ساختار باشگاه شاهین را ضروری دانست و از هواداران و کلیه بوشهری ها به عنوان سرمایه های اصلی شاهین نام برد. او ادامه داد: از استاندار می خواهیم هر چه سریعتر نشستی برگزار کند تا مشکلات را به اطلاع ایشان برسانیم و شاهین بتواند اوج بگیرد.

وی اظهار داشت: ما دو میلیارد در بازار و به افراد مختلف بدهکاریم و حدود ۷ میلیارد بدهی به بازیکنان داریم که برای تسویه با بازیکنان می توان تخفیف گرفت و رقم را کمتر کرد. امیدوارم راهی پیدا شود تا همانگونه که قرار است برای سرخابی های پایتخت ردیف بودجه تعریف نمایند وزارت نفت هم ما را ببینند.

محمدپور عدم همدلی و نزدیکی و وجود فاصله بین اعضای هیئت موسس را از مشکلات شاهین دانست و گفت: در استان ما اختلاف بین ایرانجوان و شاهین می تواند گره ها را کور تر نماید.

او اعلام کرد: شکایت برخی بازیکنان به کمیته انضباطی اتفاق عجیبی نیست و آنها حرفه ای عمل کرده اند اما برخی چک ها را از طریق دادگستری به اجرا گذاشته اند که این زیبنده نیست.

نگاهی به چالش های پیش روی شاهین بوشهر

با این بدهی کلاهمان پس معرکه است



عبدالصمد ابراهیمی : مدیرعامل شاهین بوشهر از بدهی کلان باشگاه خبر داده است. منابع دیگر معتقدند رقم بدهکاری شاهین حدود ۷ میلیارد است و رقم ۹ میلیارد صحت ندارد. احمد گزی هم چندی پیش از رقمی حدود ۶ تا ۷ میلیارد سخن گفته بود که به نظر، این مبلغ به واقعیت نزدیک تر است. دومیلیارد آن مربوط به بدهی های بازار و اشخاص –مانند نعمتی– است که نمی توان روی کسر کردن آن حساب کرد.

از ۵ میلیارد باقیمانده تصور کنید که بشود ۴۰ درصد را کسر کرد (برخی از آنها حکم قطعی دارند و بعید است تخفیف بدهند) که می شود ۲ میلیارد تخفیف و با این شرایط شاهین با ۵ میلیارد بدهی خالص باقی می ماند که باید تا ۲۵ تیرماه آنها را بپردازد و وارد لیگ دسته اول شود.

تا مادامی که با نعمتی تسویه حساب نشود نمی توان پولی به حساب باشگاه واریز کرد و اداره کل ورزش و جوانان استان هم اجازه کمک به شاهین را ندارد. به عبارت ساده تر ابتدا باید با پرداخت یک میلیارد و اندی تکلیف بدهی به نعمتی را مشخص نمود و آن گاه منتظر بقیه موارد ماند.

برای اینکه بدانید ۵ میلیارد رقم کمی نیست و این رقم میتواند بنیان شاهین را معیوب سازد کافی است این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید که شاهین در طول فصلی که لیگ برتری بود و با داشتن اسپانسری مثل بانک صادرات و پست بانک و رایزنی های ورزشی و غیرورزشی افراشته و کمک های استانی فقط ۵ میلیارد درآمد داشت و حالا باید این درآمد را در طول سه ماه آن هم در دسته اول کسب کند تا تازه به نقطه صفر برسد و بدهکاری اش رفع شود. حالا مخارج فصل آینده و تیم بستن و...بماند. یا اینکه کافی است بدانیم هیئت دولت طی مصوبه اش برای یک سال ورزش استان با این همه شهرستان و هیئت های استانی و شهرستانی و زیرساخت ها ۵ میلیارد تعیین کرده است.

قصد نگارنده ناامید کردن نیست بلکه تلاش دارد واقع بینانه آنچه هست را بررسی کند زیرا برای رسیدن به موفقیت اولین اصل خودشناسی است و باید بدانی چه داری تا به موفقیت برسی. بی دلیل نباید خودمان را فریب بدهیم .

تصور می کنید ماحصل نشست با استاندار چیست و چه عوایدی را به دنبال دارد؟ دولت با کدام مجوز برای تیمی شخصی خرج می کند؟ پرداختن به اینکه ما نفت داریم اما تهران بدون نفت، تیمی به نام نفت را حمایت و اداره می کند هم بحثی بی نتیجه است زیرا این تیم در تملک وزارت نفت است و دولت قطعا راهی برای کمک به تیم های تحت پوشش خود می یابد اما شاهین که خصوصی است با کدام ادله باید مورد حمایت قرار گیرد؟ اصلا نهایت امر این است که یک پنجم کمک دولت به ورزش استان را به شاهین بدهند که می شود یک میلیارد. با یک میلیارد گرهی گشوده نمی شود.

آیا دولت از داماش و استیل آذین یا استقلال اهواز حمایت می کند؟ طبیعی است که مالکان باشگاه باید مخارج آن را بپردازند. استقلال و پرسپولیس اگر چه تیم هایی مردمی هستند اما مالک آنها وزارت ورزش و جوانان است. تراکتور سازی هم سهامش در اختیار سپاه و کارخانه تراکتور سازی است. یعنی همه تیم هایی که مردمی نامیده می شوند هم ریشه شان در دل دولت است و قاعدتا هزینه هایشان را هم دولت میپردازد.

تا زمانی که تکلیف مالکیت باشگاه مشخص نشده نمی توان امیدوار بود که شاهین ساختار مطلوبی پیدا کند. الان می گویند مالک باشگاه هواداران هستند و هیئت موسس حافظ منافع آنهاست و مالکیت صوری دارد! این یک معادله عجیب و غریب است. بالاخره یکی باید مالک باشد و مالک هم باید هزینه های تیم را بپردازد.

وقتی اعضای هیئت موسس اعلام می کنند در نشست فصل قبل با جمشیدی به صراحت اعلام کرده ایم نمی توانیم تیمداری کنیم این سئوال مطرح می شود که اگر نمی توانید تیمداری کنید چه اصراری به ماندن دارید؟

نگارنده با فلسفه وجودی هیئت موسس یا هر هیئت دیگری در باشگاه مخالف نیست بلکه معتقد است کسی که مالک است باید مخارج را هم بپردازد . این یا از طریق یافتن اسپانسر است یا هر راه دیگری. باید بپذیریم که دولت هیچگاه هزینه های تمام و کمال باشگاه خصوصی را نمی پذیرد. دولت نه، شخص خود ما آیا حاضریم هزینه کنیم و دیگران مدیریت کنند و ادعای مالکیت نمایند؟

حق مردم محترم است و هواداران هم حق دارند دلشان در تب و تاب تیم مورد علاقه شان باشد اما در فوتبال حرفه ای هم نمی توان تیم را به شکل محلی اداره کرد. شاید بهترین فرصت همان فصل قبل ماجرای ایران ایر بود که به سهولت از دست رفت و حالا هم کسی تیم دسته اولی که ارزش امتیازش ۷۰۰میلیون است را با ۷ میلیارد بدهی نمی خرد.

دوستانی که می خواهند به شاهین کمک کنند ابتدا این بحث مالکیت و سپس منبع ارتزاق تیم را مشخص کنند که در غیر اینصورت روزهای بسیار سخت تری در انتظار شاهین خواهد بود و با این شرایط کلاهمان پس معرکه خواهد بود.

ایرانجوان به پلی آف برمی گردد؟

دبیری: کمیته انضباطی حق را به ماشین‌سازی داد



مدیرعامل باشگاه ماشین‌سازی گفت: کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در مورد استفاده غیر قانونی تربیت یزد از بازیکن سرباز به سود ما رای داده است.

افشین دبیری در مورد پیگیری شکایت ماشین‌سازی بابت استفاده تربیت یزد از بازیکن سرباز اظهار داشت: کمیته انضباطی رای ۳ صفحه‌ای صادر کرده و در مورد تخلف تربیت یزد برای استفاده از بازیکن سرباز حق را به ما داده است، اما اعلام کرده زمانی که مجوزی از سوی نیروهای مسلح به باشگاهی داده می‌شود فدراسیون فوتبال می‌تواند به بازیکن اجازه بازی دهد.

وی گفت: در مورد شکایتی که به بازرسی نیروهای مسلح در مورد تخلف تربیت بدنی این ارگان کرده بودیم آنها اعلام کردند ما به باشگاه ماشین سازی پاسخگو نیستیم و اگر وزارت ورزش بخواهد می‌توانیم به آنها پاسخ بدهیم. ما هم با وزارت ورزش صحبت‌هایی را انجام دادیم و سجادی، معاون ورزش هم کار را به کارشناس مربوطه سپرده و باید منتظر نتیجه آن بمانیم.

مدیرعامل باشگاه ماشین‌سازی عنوان کرد: با پیگیری‌هایی که انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که آنها خودشان تخلف صورت گرفته را قبول کرده‌اند، اما می‌خواهند فقط وقت را هدر بدهند و کار را مشکل‌تر کنند.

دبیری ادامه داد: حسن‌زاده، رئیس کمیته انضباطی به ما اعلام کرد که اگر حتی ۲۴ ساعت قبل از بازی پلی‌آف نامه‌ای مبنی بر تخلف به فدراسیون می‌دادند می‌توانستیم این مسابقه را عقب بیندازیم. در حال حاضر کمیته انضباطی به ما قول داده که اگر نامه نیروهای مسلح به دست این کمیته برسد قطعاً ماشین‌سازی راهی پلی آف خواهد شد و مسابقه برگزار شده بین گهر زاگرس و ایرانجوان در این مرحله باطل و مسابقه مجدد در نظر گرفته می‌شود./ منبع:فارس

بانوی اسکیت باز بوشهری طلایی شد

نیلوفر مردانی عضو تیم اسکیت استان در مسابقات رکورد گیری انتخابی تیم ملی که در پیست اسکیت آزادی تهران برگزار شد به دو نشان طلا در مسافت یک‌هزار متر جوانان و ۱۰ هزار متر جوانان و بزرگسالان دست یافت.

وی جواز حضور در اردوی تیم ملی را نیز که دهه اول خردادماه در تهران برگزار می شود را کسب کرد.

پشت دروازه فوتبال

رییسی نژاد رئیس هیئت موسس شاهین:

کنارگذاشتن شاهین بدهکار از لیگ را جدی نگیرید!



بدهی های کلان باشگاه شاهین بوشهر باعث شده تا برخی بر این باور باشند که با این حجم بدهکاری اجازه حضور شاهین در لیگ دسته اول هم داده نمی شود اما رییس هیئت موسس شاهین معتقد است مسئولین ناچارند شاهین را در لیگ شرکت دهند.

مهرزاد رییسی نژاد می گوید«بدهی ما ۹ میلیارد نیست و ۷ میلیارد است. بعد از بازی با سایپا که سقوط شاهین قطعی شد رایزنی های گسترده ای را با مسئولین استانی و ارگان های مختلف برگزار انجام دادیم تا بتوانیم یک اسپانسر قوی جذب کنیم. می خواهیم برای فصل بعد تیمی کاملا بومی بسازیم تا دوباره به لیگ برتر برگردیم»

او می افزاید« کمک دولت به تیم های حرفه ای ممنوع است و تیم های دسته اول که پروانه حرفه ای ندارند مشمول این قانون نمی شوند. امیدوارم از محل یک درصد بودجه که به ورزش اختصاص می یابد مشکلاتمان را حل کنیم.»

بحث مالکیت شاهین هم این روزها مطرح است و رییسی نژاد درباره آن اینگونه می گوید « ۱۳ نفر سهامدار از جمله خود من هیئت موسس را تشکیل می دهیم. البته ما به صورت صوری و فقط برای ثبت باشگاه مالک محسوب می شویم. مالکیت باشگاه هیچ اموالی ندارد و حتی زمین باشگاه هم اوقافی است و اجاره اش پرداخت می شود. مالک اصلی مردم و هوادارها هستند»

وی در مورد مدیران آینده باشگاه خبری می دهد که به نوعی می تواند تاییدی بر خبر حضور نماینده استانداری باشد « قرار است مدیران جدید باشگاه از نهادهای دولتی باشند و ما می خواهیم از مدیران استانداری در پست های مدیریتی باشگاه استفاده کنیم. تمام چشم امیدمان به منابع استانی است ضمن اینکه هزینه ها در لیگ یک خیلی پایین تر از لیگ برتر است»

او در مورد کنار گذاشتن تیم های بدهکار از لیگ حرفه ای حرف جالبی می زند. حرفهایی که البته در گذشته ثابت شده است «همیشه از این حرفها بوده. جدی نگیرید. آنها نمی توانند شاهین را با این همه هوادار محروم کنند. یکی از این شروط داشتن تراز مالی مثبت بوده اما سال قبل خیلی از تیم ها تراز مالی شان که منفی بود را مثبت نشان دادند»

او درپایان در مورد طلب نعمتی که باعث انسداد حساب باشگاه شده هم می گوید « هنوز به ایشان پولی پرداخت نشده اما در تلاشیم تا کم کم بدهی شان را بپردازیم و خانه شان را از توقیف بانک آزاد کنیم. اتفاقا ضامن یکی از وام هایشان خود من هستم واین هم حل می شود». منبع:تماشا

کللی فر به این شاهین بر نمی گردد

خبرهای زیادی مبنی بر حضور احتمالی حمید کللی فر به عنوان سرمربی شاهین به گوش می رسد اما این مربی که خاطرات خوبی از کار با هیئت موسس ندارد، تصمیم به بازگشت نداشته و گفته است در صورت تغییر و تحول در باشگاه حاضر به همکاری با آنهاست. با توجه به پیشنهاد جدی اتکا گرگان به این مربی، احتمالا وی فصل بعد هم همانجا خواهد بود.

ایران نژاد: پیشنهاد سپاهان را تایید می کنم

مدافع چپ پای شاهین بوشهر در گفت و گو با رادیو بوشهر اعلام کرد « در حال حاضر برای استراحت به شیراز رفته ام و می خواهم چند روزی را دور از هیاهو بگذرانم. پیشنهاد رسمی از سپاهان دارم و باید ببینم چه اتفاقی می افتد اما خودم دوست دارم در جایی بی حاشیه بازی کنم و سپاهان از این حیث ایده آل است»

نظرزاده سه پیشنهاد دارد

مسعود نظرزاده را هم باید رفتنی بدانیم. این مدافع– هافبک شاهین با پیشنهاد دو مربی سابق خود روبروست. ابراهیم قاسمپور و اکبر میثاقیان خواستار جذب وی گردیده اند و البته فجر سپاسی هم او را می خواهد. شانس پیوستن او به آلومینیوم جدی تر از دو گزینه دیگر است.

حکم توقیف اموال باشگاه شاهین

مسئول سابق پشتیبانی باشگاه شاهین حکم توقیف اموال این باشگاه را گرفت. حق پرست که بابت حقوق دو سال کارکردش در باشگاه ۱۵میلیون تومان طلبکار بود با مامور به باشگاه مراجعه کرد اما مهرزاد رییسی نژاد رییس جدید هیئت موسسین به او قول داد که تا یک ماه دیگر طلب وی را می پردازد. نکته جالب در این ماجرا آنجاست که حق پرست طی دوفصل ۱۵میلیون باید می گرفت و تقی پور جانشین او در لیگ یازدهم قرارداد ۱۵۰ میلیونی داشت! مسئول پشتیبانی در باشگاه شاهین وظیفه رفت و آمد به هیئت فوتبال و فدراسیون و رتق و فتق امور بیرونی باشگاه را بر عهده دارد.